

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزبانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزبانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزبانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

www.azizibank.af 1515

خواست جنبش حمایت از قانون از سازمان ملل و اتحادیه اروپا:

## تا زمانی که خواست‌های شهروندان در نظر گرفته نشود، تمویل پروژه توزیع شناسنامه‌های برقی را متوقف سازید.



صفحه ۳

اسلام آباد:

بر سر منافع ملی پاکستان مصالحه نمی‌کنیم



دفتر نخست‌وزیر پاکستان می‌گوید که خواستار روابط دوستانه با کابل و دهلی است، اما این مسئله به قیمت منافع ملی پاکستان نخواهد بود. دستیار ویژه نخست‌وزیر پاکستان در امور خارجی روز شنبه اعلام کرد: برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، حسن نیت پاکستان را در تلاش برای بهبود بیش از پیش روابط دوستانه با تمام کشورهای همسایه و منطقه نشان داد.

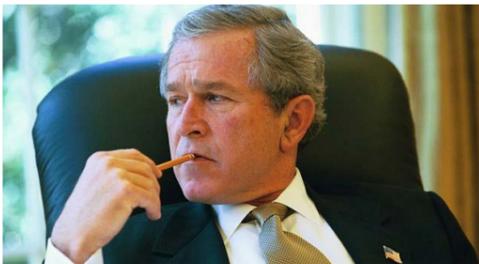
طارق فاطمی گفت: اجلاس سران اگو این پیام مثبت را به تمام جهان صادر کرد که شرایط امنیتی در پاکستان به طور قابل توجهی بهبود یافته است. وی افزود: محمد نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان خواستار تقویت روابط با کشورهای همسایه، کشورهای آسیای میانه و تمام کشورهای منطقه است.

او تصریح کرد: پاکستان خواستار روابطی دوستانه و مبتنی بر احترام متقابل با تمام همسایگان خود از جمله هند و افغانستان است؛ اما حاضر نیست بر سر منافع ملی خود مصالحه کند.

سیزدهمین اجلاس سران سازمان همکاری‌های اقتصادی اگو روز چهارشنبه هفته گذشته به میزبانی اسلام آباد برگزار شد. رهبران دولت افغانستان در این نشست اشتراک نکردند. آنها در پاسخ به اتهامات اسلام‌آباد و تنش‌های اخیر میان دو کشور از شرکت در این نشست خودداری کردند.

جورج بوش:

از حمله به عراق و افغانستان پشیمان نیستم



رئیس‌جمهور اسبق آمریکا می‌گوید از دستور برای حمله به عراق و افغانستان پشیمان نیست.

جورج بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا با حضور در شبکه "NBC"، در پاسخ به سوالی درباره سربازان زخمی عنوان کرد، گمان می‌کنم که در صدور دستور حمله به عراق و افغانستان اشتباه نکرده و تصمیم درستی گرفتم.

بوش در حال حاضر در تلاش است تا میزان مزایای سربازانی که در جنگ زخمی شدند را افزایش دهد. وی با این حال طی روزهای اخیر به منظور تبلیغ تازه‌ترین اقدام خود مبنی بر برگزاری نمایشگاه "رنگ روغن" و به تصویر کشیدن سربازان آمریکایی در رسانه‌ها حضور می‌یابد.

بوش در بخش دیگری از اظهاراتش با اشاره به این سربازان زخمی عنوان کرد، من از اینکه آن‌ها صدمه دیده‌اند متأسفم اما زمانی که من درباره ورود افغانستان و عراق تصمیم گرفتم مجبور بودم مصمم باشم گرچه می‌دانستم این جنگ‌ها نتایج جبران‌ناپذیری خواهند داشت.

ارتش آمریکا در یک ماه پس از حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به جنگ افغانستان و تلاش برای بمباران مواضع طالبان در این کشور وارد شود. یک سال پس از جنگ افغانستان کنگره آمریکا با ورود نظامی به عراق نیز موافقت کرد.

شماری از معلمین ولایت کندز:

معاش معلمین به حساب

شخصی رییس معارف کندز حواله می‌شود



صفحه ۳

ملت افغانستان

نه

ملت افغان



صفحه ۲

د افغانستان شمال ختیخ کی

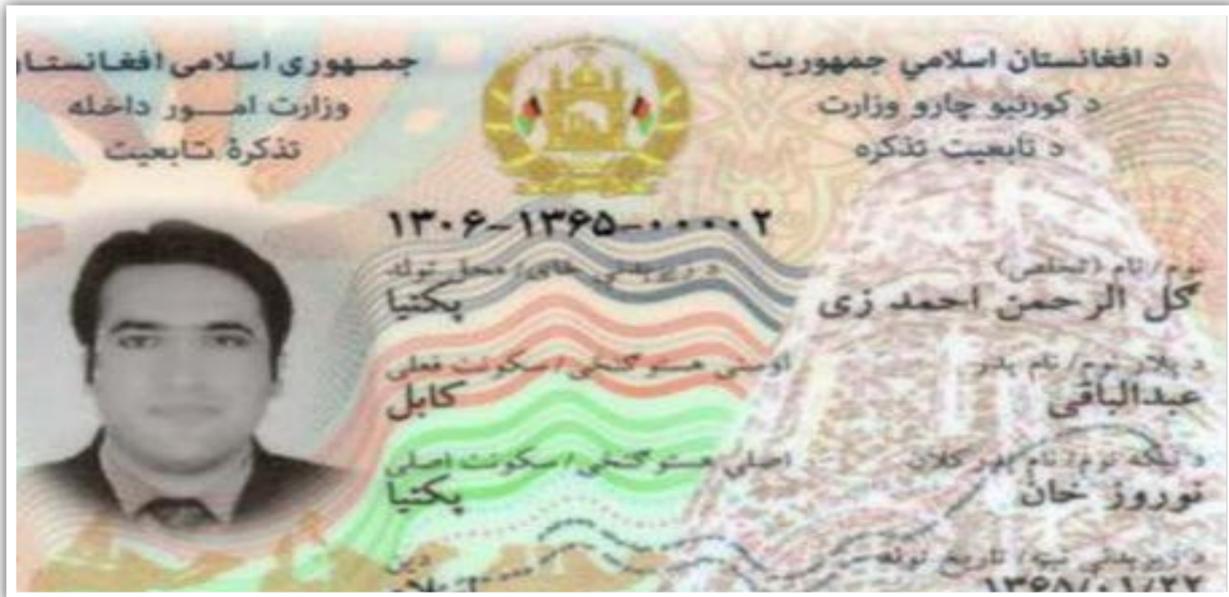
د نا امنیو پراخېدو په اړه اندېښنې



صفحه ۳

نظری پریانی

# ملت افغانستان نه ملت افغان



## سخن ماندگار

### از محاصره اقتصادی عبور باید کرد

نزدیک به دو هفته است که مقام‌های پاکستانی در یک اقدام کم‌سابقه، دروازه‌های مرزی خود را به روی افغانستان بسته‌اند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ها، در هر دو طرف مرز، هزاران کامیون مواد خوراکی و افرادی که به دلایل مختلف به این کشور سفر کرده بودند و یا می‌خواستند سفر کنند، در وضعیتی سردرگم به‌سر می‌برند. پاکستان مرزهای خود را در واکنش به حمله انتحاری به یک مسجد صوفی‌ها در ایالت سند بسته است. مقام‌های پاکستانی مدعی‌اند که عاملان این حمله در خاک افغانستان به‌سر می‌برند؛ ادعایی که از سوی مقام‌های افغانستان نه‌تنها رد می‌گردد، بل گفته می‌شود که پایگاه‌های اصلی گروه‌های تروریستی که باعث ناامنی در افغانستان می‌شوند، در خاک پاکستان قرار دارند.

بحث‌های این‌گونه از چندسال به این‌سو میان دو کشور ادامه دارد و بدون آن‌که به نتیجه مشخص بینجامد، دو کشور یکدیگر را در ناامنی‌های کشورهایشان متهم می‌کنند. متأسفانه کشورهای غربی که خود را متحدان استراتژیک دو کشور می‌دانند، تا به امروز به گونه دقیق و مستند به این مسایل نپرداخته‌اند و هرآنگاه‌ای که مشکلاتی میان دو کشور به میان آمده، صرفاً مقام‌های دو کشور را به خویشتن‌داری و حل مشکلات از طریق دیپلماتیک تشویق کرده‌اند. مقام‌های پاکستانی اما نه‌تنها موجودیت پایگاه‌های گروه‌های تروریستی در کشور خود را انکار می‌کنند، بل و قبحانه مدعی‌اند که مشکلات موجود در افغانستان ریشه در درون این کشور دارد و باید جلیو ناامنی‌ها را در داخل خاک این کشور گرفت. درحالی‌که بر اساس شواهد و اسناد غیرقابل انکار، پاکستان از چندین سال به این‌سو، به پایگاه اصلی گروه‌های تروریستی در منطقه تبدیل شده و نه‌تنها تهدیدی برای افغانستان به شمار می‌رود، بل بسیاری از کشورهای منطقه از موجودیت گروه‌های تروریستی در این کشور احساس خطر می‌کنند. اما بحث اصلی این‌جاست که: چرا مقام‌های پاکستانی با بستن مرزهای خود که به‌نوعی شاگرد اقتصاد افغانستان شمرده می‌شود، می‌خواهند نسبت به وضعیت خود و یا آن‌چه که تهدیدهای امنیتی خوانده می‌شود، اعتراض کنند؟ در این‌که پاکستان با این اقدام خود تلاش کرده است که بر فشارهایش بر مردم افغانستان بیفزاید، هیچ جای تردید وجود ندارد. پاکستان با بستن مرزهایش به روی کشوری که عملاً محاط به خشکی است، نه‌تنها کوانسیون‌های ژوپولیتیک در این عرصه را زیر پا گذاشته است، بل باعث شده که وضعیت اقتصادی در افغانستان به‌شدت رو به وخامت برود. شاید متضرر اصلی اقتصادی در این سیاست، دولت و مردم افغانستان باشند؛ به دلیل این‌که دولت پاکستان به‌صورت تعمدی این برنامه را به اجرا گذاشته و از قبل برای رفع ضررهای آنی آن، برنامه‌ریزی کرده است. بر اساس آمارهای رسمی، مراودات اقتصادی میان دو کشور، سر به چند میلیارد دلار می‌گذارد که مفاد اصلی آن، به جیب پاکستان می‌رود؛ ولی از آن‌جایی که مردم افغانستان در شرایط ویژه‌ی گیر مانده‌اند و نیاز به کالاهای فوری و اولیه دارند، بستن مرزهای پاکستان به روی این کشور، اثرات آنی و جبران‌ناپذیر به‌جا می‌گذارد و پاکستانی‌ها این مسأله را به‌خوبی می‌فهمند.

سیاست محاصره اقتصادی حتا در زمانی که جنگ میان دو کشور وجود دارد، قابل توجیه نیست؛ چه رسد به زمانی‌که دو کشور دم از همسایگی نیک و مناسبات مبتنی بر حسن همجواری می‌زنند. پاکستان با اتخاذ سیاست فشار اقتصادی بر افغانستان می‌خواهد، ضمن کاهش فشارهای جهانی نسبت به خود، نشان دهد که این کشور برخلاف واقعیت، حامی و پشتیبان تروریسم نیست. این کشور با وارد کردن فشارهای اقتصادی بر افغانستان می‌خواهد عملاً به هدف‌های سیاسی خود دست پیدا کند. متأسفانه اهداف سیاسی پاکستان نیز چنان گستاخانه و بیرون از مراودات دیپلماتیک و همسایگی است که به هیچ صورت نمی‌توان در مورد آن‌ها حتا گفت‌وگو کرد. یگانه راه چاره در وضعیت فعلی این است که دولت افغانستان با تحمل فشارهای موجود، به گزینه‌های بدیل در این مورد فکر کند.

مناسبات چندین‌ساله با پاکستان نشان داد که این کشور به هیچ‌صورت از هدف‌های سلطه‌جویانه خود در افغانستان دست‌بردار نیست و نمی‌خواهد به واقعیت‌های موجود جهان تن دهد. پاکستان خواب یک جغرافیای کلان را می‌بیند تا در آن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود هم‌زمان دست پیدا کند. حالا این‌که چنین سیاست‌هایی به پایمال شدن حقوق دیگران منجر می‌شود و یا عملاً جنگ و خشونت را در کشورهای دیگر ترویج می‌کند، اصلاً برای زمام‌داران اسلام‌آباد حایز اهمیت نیست.

#### درآمد

چند سال می‌شود افغانستان درگیر این شده است که «افغان برای همه قابل اطلاق هست یا خیر» این مسأله مسلماً ریشه‌ی یک‌قرنه دارد؛ اما در پانزده سال اخیر، به شکل بسیار بنیادی و ریشه‌ی، بحث‌هایی را برانگیخته است. در فصل اول قانون اساسی کشور آمده است: «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان، متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان، کلمه افغان اطلاق می‌شود.»

اما فقره اخیر، سبب مشکلاتی شد و معترضین زیادی را در پی داشت؛ کما این‌که موافقانی را هم به‌همراه داشته است. موافقان، صراحت این ماده را دلیلی بر اطلاق واژه «افغان» برای همه در شناس‌نامه‌ها می‌پندارند و مخالفان، این ماده را به معنای مصادره هویت دیگران قلمداد کرده و می‌گویند که کشور را به یک قوم (افغان = پشتون) گره می‌زند، و حتا برخی‌ها این فقره را در تضاد با آیتی در قرآن کریم که در مورد عشایر و قبایل به‌کار رفته، عنوان می‌کنند. این نزاع‌ها سبب شدند که چندین سال، قانون ثبت احوال نفوس در شورای ملی کشور باقی بماند تا این‌که مجلس نماینده‌گان به تاریخ هشتم جوزی ۱۳۹۲، قانون ثبت احوال نفوس را با حذف کلمه «افغان» و درج هویت‌های مستقل افراد در دیتابیس، نه در روی کارت، به تصویب رساند و حامد کرزی از توشیح آن سر باز زد. اما دو سال بعدتر، با شکل‌گیری دولت وحدت ملی، این قانون توسط رییس‌جمهور غنی توشیح شد و در جریده رسمی منتشر گردید. به محض توشیح، برخی از حلقات که در افغانستان به افراطی‌گری و ناسیونالیسم قومی مشهور اند، به حمایت حامد کرزی، خواهان درج واژه افغان شدند و این موضع‌گیری، حمایت شماری از حلقه‌ها و افراد سیاسی همسوی قومی را نیز به دنبال آورد و نیز مخالفت دیگر گروه‌های سیاسی - اجتماعی را برانگیخت. اما اکنون بعد از دو سال و نیم دیگر، رییس‌جمهور غنی به تاریخ پنجشنبه ۱۲ حوت ۱۳۹۵، ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس را با درج واژه افغان برای همه تعدیل کرد که با واکنش‌های بسیار شدیدی مواجه گردید.

این مقاله اکنون در جست‌وجوی توضیح کلمه «افغان» است و می‌خواهد به این سوال پاسخ بدهد که «آیا به‌راستی کلمه افغان برای همه به‌عنوان ملیت یا ملت اطلاق‌شدنی است؟»

#### افغان چیست؟

در کتاب‌ها و مقالات و سخنرانی‌های دانشمندان و نویسندگان بزرگی در سطح افغانستان و بیرون از آن، واژه افغان در طول تاریخ فقط به پشتون‌ها اطلاق شده است. از جمله در سطح افغانستان، سید جمال‌الدین افغانی که از او به اسدآبادی هم یاد شده، در کتاب «تمتة الیابان فی التاریخ الافغان» آورده است که «افغان» مترادف «پشتون» است و نیز گفته است که افغان شکل معرب اوغان است.

در کتاب سراج‌التواریخ، هیچ‌گاه کلمه پشتون به‌کار نرفته و همواره از پشتون‌ها به نام «افغان‌ها» یاد شده است که نشان می‌دهد تا زمان کتابت آن کتاب، اسم پشتون در افغانستان معروف نبوده و پشتون‌ها افغان یا اوغان نامیده می‌شده‌اند. مقاله‌های محمود طرزی

در سراج‌الخبار و رساله‌هایی که گرد آمده‌اند، درباره زبان افغانی و زبان فارسی می‌گویند. طرزی نوشته است که باید زبان افغانی در برابر زبان فارسی در افغانستان تدریس شود و همه باید آن را یاد بگیرند. طرزی زبان افغانی را مادر زبان فارسی دری می‌داند.

همچنین در کتاب‌ها و مقاله‌های علامه عبدالحی حبیبی، تاریخ‌نگار و محقق برجسته کشور که تحقیقاتی در مورد پشتون‌ها انجام داده است نیز، افغان به‌جای پشتون آمده است. چنان‌که او در نشریه «افغانستان» که در پیشاور نشر می‌شد و عمدتاً به زبان فارسی نشرات داشت، خبرهایی که به زبان پشتو در آن گنجانیده می‌شد را زیر عنوان «چند خبر به زبان افغانی» نشر می‌کرد.

دو تاریخ‌نگار معروف کشور؛ میرغلام‌محمد غبار و نیز میرمحمد صدیق فرهنگ در کتاب‌های «افغانستان در مسیر تاریخ» و «افغانستان در پنج قرن اخیر»، واژه افغان را معادل و مترادف پشتون قلم‌داده کرده و مدعی شده‌اند که در قرن نوزدهم نام افغانستان به صفت نام رسمی کشور قرار گرفت.

در صفحه نهم افغانستان در مسیر تاریخ آمده است: «در قرن دهم کلمه «افغان» که معرب «اوغان» بود، در مورد قسمتی از قبایل پشتون کشور در آثار نویسندگان اسلامی پدیدار شد و به‌تدریج مفهوم آن وسیع‌تر شده می‌رفت تا در قرن نوزدهم حاوی کلیه پشتون‌های کشور گردید.»

در صفحه ۶۷ کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر نیز آمده است: تاریخ‌نویسان و جغرافیه‌نگاران اسلامی که تألیفاتشان در زبان‌های عربی و فارسی موجود است، از سده دهم به بعد پشتون‌ها را به عنوان افغانان یاد کرده‌اند و زبان‌شان را هم افغانی گفته‌اند. در این صفحه آمده است: بابر که در سده شانزدهم می‌زیست، زبان افغانی را از جمله زبان‌هایی می‌شمارد که در ولایت کابل رواج داشت. و همین‌طور می‌نویسد: کلمات پشتو و پشتون فقط در حد محاوره‌های زبانی تا سده هفدهم به‌کار می‌رفته است.

از این‌همه برمی‌آید که کلمه افغان مترادف پشتون بوده و هیچ‌گاه در تاریخ، به همه مردمان افغانستان اطلاق نشده است.

#### ملت افغانستان، نه ملت افغان!

آن‌گونه که در مقدمه آمده است، در قانون اساسی افغانستان، در چندین مورد از «ملت افغانستان» نام برده شده است، نه «ملت افغان». اجزای «ملت افغانستان» نیز به شرح اقوام کشور معرفی شده است. مسلماً تجربه کشورهای موفق این بوده که ملت‌هایشان را بر بنیاد جغرافیا یا تمدن ساخته‌اند، نه بر بنیاد قومیت خاص. کشورهایی که بر بنیاد قومیت خاصی ملت‌هایشان را به زور ناسیونالیسم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ سامان داده‌اند، امروز با مشکلات شدید قومی و گروهی مواجه‌اند. بنابراین، قانون اساسی افغانستان که از «ملت افغانستان» نام برده است، این منطق را نیز تکرار می‌دهد که در شناس‌نامه‌های مردم، نامی از تابعیت ذکر نشود؛ زیرا خود شناس‌نامه یا تذکره، این را با نام «جمهوری اسلامی افغانستان» مشخص می‌کند و بنا بر موجودیت «ملت افغانستان» در قانون اساسی، باید به شهروندان کشور «افغانستانی» اطلاق شود.

اتفاق افغان برای همه در برابر حکم خدا

اما آگاهان یا توجه به اسنادی که در بالا ارایه شد، فقره اخیر آن ماده قانون اساسی را که گفته است به هر شهروند افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود، نادرست و غیرعملی می‌دانند و خواهان حذف آن از قانون اساسی اند. برخی از علمای دینی و آگاهان در واکنش به این فقره قانون اساسی گفته‌اند که اطلاق کلمه افغان برای همه، در برابر آیتی در قرآن کریم قرار دارد که بر اهمیت تفاوت طایفه‌ها و قبایل و عشایر و هویت‌ها صراحت دارد. این علمای دینی در خطابه‌ها، رساله‌ها و نیز آگاهان در مقاله‌ها و سخنان و مصاحبه‌هایشان، گفته‌اند که خداوند همه انسان‌ها را در نام‌ها و نشان‌ها و طایفه‌های مختلف آفریده تا از هم تفکیک و شناخته شوند. آن‌ها به این آیت تمسک چسته‌اند که «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ». این آگاهان می‌گویند از آن‌جایی که طبق قانون اساسی، هیچ قانونی در کشور در مخالفت با احکام اسلامی قابل تطبیق نیست، باید این فقره از قانون اساسی کشور کشیده شود و یا حداقل تا بیرون کردن آن، عملی نگردد؛ چون حکمی در برابر حکم خداست و بدون شک خدا می‌توانست به جای این‌همه قوم و ملیت در افغانستان، همه را افغان خلق می‌کرد؛ اما چنین نکرده و ما در هویت‌های مختلف آفریده شده‌ایم.

#### اقدام رییس‌جمهور

برخی از اعضای مجلس نماینده‌گان و برخی از آگاهان نیز مدعی‌اند که رییس‌جمهور بر بنیاد قانون تسوید فرامین تقنینی، در موجودیت یک قانون، نمی‌تواند آن را با فرمان تقنینی تعدیل کند. فرمان تقنینی در خلای قانونی و رخصتی‌های پارلمانی می‌تواند صورت بگیرد؛ بنابراین با تعدیل یک قانون توشیح شده، کاری خلاف قانون انجام شده که پذیرفتنی نیست. منتقدان می‌گویند رییس‌جمهور می‌داند که افغان هویت جسیبده بر یک قوم محترم کشور است و دیگران هیچ تعلقی به آن ندارند، اما بازم با توجه به تعصبات و اهدافی که دارد، طی حکمی آن را به همه اطلاق کرده است. آنان این اقدام رییس‌جمهوری را ریاکاری با آگاهی مردم و باخبری‌شان از شخصیت و شناخت خودشان قلم‌داد کرده و می‌گویند که باید رییس‌جمهوری به آگاهی امروز مردم احترام بگذارد و هویت‌هایشان را به شکل مستقل قدر کند.

#### راه‌حل

هرچند تعدیل بخشی از قانون ثبت احوال نفوس و درج واژه افغان برای همه و چسپاندن هویت‌های مستقل افراد به این کلمه، مورد حمایت برخی از سیاسیون قومی قرار گرفته است، اما بیشتر مردم افغانستان در برابر این اقدام قرار دارند و واکنش‌های سختی را تا کنون از خود در صفحات اجتماعی و اعتراضات مدنی و رسانه‌ها نشان داده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌کنم که آقای غنی، فرمان اخیرش را به دلایلی که در این مقاله اشاره شد، لغو کند و قانون توشیح‌شده ثبت احوال نفوس را تطبیق کند. همچنین پیشنهاد می‌کنم که بر بنیاد قانون اساسی، ملت افغانستان به‌جای ملت افغان در مکالمات و مکاتبات رسمی به‌کار گرفته شود و شناس‌نامه‌های برقی توزیع گردد. در غیر آن، تعدیل قانون ثبت احوال نفوس به معنای ایجاد جنجال‌های تازه برای جلوگیری از توزیع شناس‌نامه‌های برقی است.



پتريوس:

## سربازان بیشتری به افغانستان فرستاده شود

امنیت ملی جدید ترامپ دارم از نظر من او ذهنی باهوش داشته و دارای استعداد رهبری و تیم سازی است. پتريوس گفت: از همکاری راهبردی دونالد ترامپ از روسیه حمایت می کنم.

وی تصریح کرد: کاملاً واضح است که اهداف ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه چیست. این اهداف در بسیاری از موارد برای ما ناتو و هم پیمانانمان و شرکای ما در جهان قابل پذیرش نیستند. با توجه به این موضوع در یک سری موارد از جمله شکست داعش و القاعده و هدف کلی متوقف کردن خشونت‌ها در سوریه بین امریکا و روسیه تلاقی منافع وجود دارد.

پتريوس گفت: من فکر می کنم این که کسی با دشمنش گفت و گو راهبردی داشته باشد نباید از آن اجتناب شود بلکه باید آن رابه شکل عملی پیگیری کرد.

او از اظهار نظر درباره تصمیم اخیر دولت امریکا برای دست زدن به یک حمله زمینی به یمن خودداری کرد و گفت از اطلاعاتی که درباره آن مطرح شده آگاهی ندارد.

او گفت که از نظرش اشتباه است امریکا از تعهد به کمک به کشورهای خارجی عقب نشینی کند.

دیوید پتريوس رییس سابق سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) انتظار دارد سربازان بیشتری به خاورمیانه برای جنگ با داعش فرستاده شود و به طور مشخص به افغانستان اشاره کرد.

این جنرال بازنشسته معتقد است عبارت "تروریسم اسلامی رادیکال" که از سوی دونالد ترامپ مورد استفاده قرار گرفته باید با احتیاط استفاده کرد.

دیوید پتريوس در مصاحبه با فردریک پلینگن مجری شبکه سی ان ان در برلین گفت: از نظر من باید به هنگام استفاده از عبارت‌هایی مثل تروریسم اسلامی رادیکال احتیاط به خرج داد این دست عبارت‌ها می تواند اشاره به گروه‌های مختلفی داشته باشند.

وی افزود: مطمئناً من خودم هرگز ابایی نداشتم از اینکه افراطی‌گری اسلامی رابه عنوان پوشش کلی گروه‌های مثل داعش، القاعده و وابستگانشان توصیف کنم.

پتريوس گفت: باید مواظب باشید که کلیت یک مذهب مهم جهان را با برچسب رادیکال یا افراطی‌گری زیر سوال نبریم.

وی خاطر نشان کرد: من نظر بسیار بسیار مثبتی در مورد مک مستر مشاور

# شماری از معلمان ولایت کندز: معاش معلمان به حساب شخصی رییس معارف کندز حواله می شود

/ نایجیه نوری /

حواله می شود. این کارمند کابل بانک ادعا دارد که مدت سه سال می شود که معاش تمامی معلمان ولایت کندز به شماره حساب شخصی رییس معارف این ولایت از طریق کابل بانک حواله می شود.

اما رییس معارف ولایت کندز با رد این ادعا می گوید: چطور ممکن است که معاش بیش از شش هزار معلم که در این ولایت تدریس می کنند به حساب بانکی من حواله شود.

محمد رستم محمدی رییس معارف ولایت کندز به روزنامه ماندگار می گوید: معلمان مرکز ولایت کندز از طریق کابل بانک معاش دریافت می کنند؛ اما معاش معلمان شش ولسوالی که نامن است به حساب معتمدین این مکاتب حواله شده و بعداً از طریق معتمدین توزیع می شود.

محمدی تأکید می کند که بر اساس خواست معلمان، معاش از طریق معتمدین توزیع می شود؛ زیرا تمامی ولسوالی‌های کندز نامن است و معلمان نمی توانند به راحتی به بانک آمده و معاش خود را دریافت کنند؛ بنابراین معاش در حضور چند هیات و پولیس توزیع می شود.

به گفته او، ولایت کندز ۵۰۰ مکتب و ۷۰۰۰ هزار معلم دارد و معلمینی که در ۱۱۸ مکتب حوزه شهری تدریس می کنند از طریق کابل بانک معاش دریافت می کنند و متباقی معلمان از طریق معتمدین مکاتب معاش شان را دریافت می کنند.

محمدی تأکید می کند که هرکس چنین ادعایی بر علیه من دارد باید مدرک ارائه کند و من حاضرم در این مورد پاسخ گو باشم.



به گفته آنان: مدیران مکاتب به شماری از معلمان بالمقطع که مدت خدمت شان بیشتر از یکسال شده؛ با وعده دادن اینکه شما را رسمی مقرر خواهیم کرد؛ معاشی نمی دهند؛ تمام این معاشات به حساب شخصی رییس معارف این ولایت انتقال داده می شود و مدیران مکاتب هم در تبانی با او؛ پول‌های دریافت شده را حیف و میل می کنند.

این معلمان می گویند: بهترین و شفاف‌ترین سیستم برای دریافت معاش؛ سیستم بانکی است؛ اما رییس معارف ولایت کندز به بهانه نامنی؛ معاش تمامی معلمان ولایت کندز را از طریق حساب شخصی خود از کابل بانک دریافت کرده و بعداً در همکاری با مدیران مکاتب هرآنچه که دل‌شان خواست به معلمان پرداخت می کند. در همین حال، یک کارمند کابل بانک که نمی‌خواهد نامی از او گرفته شود، با تایید ادعا معلمان ولایت کندز به روزنامه ماندگار می گوید: تمامی معاشات معلمان ولایت کندز به شماره حساب بانکی رییس معارف کندز

شماری از معلمان ولایت کندز ادعا دارند که معاش آنان به دلیل این که به حساب بانکی رییس معارف این ولایت حواله می شود، کاسته شده و بر اساس خواست مدیران مکاتب این ولایت پرداخت می شود.

این معلمان که نمی‌خواهند نامی از آنان گرفته شود، ادعا دارند که معاش آنان بر اساس خواست مدیران مکاتب این ولایت کندز در تبانی با رییس معارف این ولایت پرداخت می شود.

آنان به روزنامه ماندگار می گویند: بعضی از معلمان سه هزار، شماری پنج هزار و برخی هم شش هزار افغانی معاش دریافت می کنند و اگر کسی اعتراض کند؛ او را برکنار می کنند.

این معلمان ادعا می کنند که اضافه کاری سر معلم و شماری از معلمان که دو شفت کار می کنند؛ کارگران مکاتب و تفاوت یکساله معاش معلمان تاکنون پرداخت نشده و مساله مهم تر اینکه معاش معلمانی که از سوی مدیران مکاتب این ولایت به شکل بالمقطع مقرر شدند نیز پرداخت نمی شود.

## خواست جنبش حمایت از قانون از سازمان ملل و اتحادیه اروپا:

### تا زمانی که خواست‌های شهروندان

## در نظر گرفته نشود، تمویل پروژه توزیع شناسنامه‌های برقی را متوقف سازید.



سیزده سال تلاش است، به باد مسخره نگیرد. در قطعنامه جنبش دفاع از قانون هم چنان آمده است که دولت بر بنیاد حکم قانون وظیفه دارد تا در راستای منافع ملی، به ویژه به اقوام و طیف‌های اجتماعی مختلف برخورد یکسان داشته باشد و به خواسته‌های برحق مردم احترام بگذارد.

این فعالان مدنی هشدار می دهند، در صورت پذیرفته نشدن خواست‌های شان دست به تظاهرات گسترده و سراسری خواهند زد.

قانون ثبت احوال نفوس در سال ۱۳۹۲، با حذف اطلاق واژه افغان، توسط نماینده‌گان مردم در مجلس تصویب و برای توشیح به ریاست جمهوری فرستاد شد. اما مورد توشیح رییس جمهور کمری قرار نگرفت و سرانجام دو نیم سال پیش با شکل گیری دولت وحدت ملی رییس جمهور غنی آن را توشیح کرده بود. اما عملی نشد.

طرف درگیری‌های قومی و حتا تجزیه خواهد بود. آنان از سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا که از تمویل کننده روند توزیع شناسنامه‌های برقی هستند، خواست تا تمویل این پروژه را تا زمانی که خواست‌های شهروندان افغانستان در نظر گرفته نشود، متوقف سازد.

عین‌الدین بیگ، عضو دیگر این جنبش همزمان با خوانش قطعنامه نشست گفت که اگر حکومت خواست‌های این جنبش را نادیده بگیرد و مردم ناامید شوند، ممکن است دست به عمل‌کردهای غیرقانونی همانند رییس جمهور بزنند و در این حالت، اگر اوضاع از کنترل خارج شود، مسوولیت آن به دوش مسوول حکومت است و جنبش دفاع از قانون هیچ‌گونه مسوولیتی ندارد.

این فعالان مدنی با پخش قطعنامه‌یی از رییس جمهور خواستند تا فرمان خود را لغو کند و ارزش‌های دموکراتیک موجود در کشور را که حاصل

معامله شود و کسی حق دخل و تصرف و یا تغییر آن را دارد.

به گفته او: بر اثر فشار و تلاش حلقه‌های مغرض دوباره روند توزیع شناسنامه‌های برقی به چالش کشیده شده است.

برنا صالحی، عضو دیگر این جنبش می گوید: هدف از به وجود آمدن جنبش دفاع از قانون، به میان آمدن جامعه قانونمدار است.

به گفته او: حق ملت بودن شهروندان کشور باید در شناسنامه‌های آنان تسجیل پیدا کند و قانونی که در زمینه وجود دارد، باید تطبیق شود.

آقای صالحی از مسوولان حکومت وحدت ملی به عنوان قانون‌شکنان درجه اول یاد کرده و می گوید: شهروندان بار دیگر به زورگویی و قانون‌شکنی اجازه نخواهند داشت شناسنامه با درج هویت خودشان را خواهند گرفت.

این عضو جنبش مدنی دفاع از قانون، خطاب به حلقه‌هایی که او از آنان تحت عنوان افرادی که هویت شهروندان را به بازی می‌گیرند، گفت: "هویت شهروندان فروشی نیست و آنان توان دفاع مشروع و معقول از قانونمداری و هویت خود را دارند."

رامش نوری، عضو دیگر این جنبش در این نشست گفت: رییس جمهور غنی با نگرش‌های قومی و استبدادی دست به صدور فرمان تعدیل ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس زده است.

این فعالان مدنی هشدار دادند که انجام آنچه در فرمان تقنینی رییس جمهور آمده، افغانستان را به

## / هارون مجیدی /

فرمان رییس جمهور غنی مبنی بر تعدیل ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس با واکنش‌ها و اعتراضات بی شماری روبه‌رو شده است.

در تازه ترین مورد، شماری از فعالان جامعه مدنی در کابل دست به ایجاد «جنبش دفاع از قانون» زده و می گویند که رییس جمهور بدون در نظر داشت قانون ثبت احوال نفوس و بدون داشتن صلاحیت تداخل عمل در کارهای مجلس نماینده‌گان با توجه به تفکیک قوا، دست به تعدیل ماده ششم این قانون زده است.

این فعالان مدنی دیروز (شنبه، ۱۴ حوت) با راه اندازی یک نشست خبری گفتند که این عمل کرد آقای غنی اوج استبداد، توتالیتریزم و دیکتاتورمآبانه او می باشد.

آنان می گویند که با توجه به ادامه قانون شکنی توسط مسوولان حکومت وحدت ملی، دست به ایجاد جنبش دفاع از قانون زده اند و می خواهند راه را برای توسعه سیاسی با حفظ حاکمیت قانون، بازتر سازند.

کابینه حکومت وحدت ملی به تاریخ ۱۲ حوت، طرح تعدیل ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس را مورد تایید قرارداد و این تعدیل از سوی رییس جمهور طی فرمان تقنینی توشیح شد.

اما، بر بنیاد مواد قانون، رییس جمهور در دو حالت می تواند فرمانی تقنینی صادر کند: یک، زمانی که شورای ملی در تعطیلی باشد و اتفاق مهمی به میان آید و دوم، رییس جمهور در زمینه‌یی می تواند فرمان تقنینی صادر کند که در آن زمینه قانون وجود نداشته باشد. اما این فرمان آقای غنی در حالی صادر می شود که قانون توشیح شده ثبت احوال نفوس توزیع شناسنامه‌های برقی وجود دارد.

هارون معترف، یکی از اعضای این جنبش در این نشست گفت: "هویت اقوام موردی نیست که که

به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند. لازم است. بعد از این استدلال، روسو این نظر را مطرح می‌کند که برقراری یک جامعه نیازمند تغییر اعضای آن است و ویژه‌ی است. وی این مجازات را قانونی طبیعی می‌داند که بدون آن جامعه نمی‌تواند ادامه حیات یابد. بنابراین اخلاق برای داشتن جامعه‌ی که در آن افراد به حقوق یکدیگر احترام می‌کنند، لازم است.

### سجاد خداکرمی

روسو در کتاب "قرارداد اجتماعی" از منافع ویژه‌ی که تضاد با آن‌ها تشکیل جامعه را واجب کرده، انتقاد می‌کند. او در این کتاب، مسأله اخلاق را بر اساس ساختارهای اجتماعی شرح می‌دهد. استدلال روسو جهت برقراری قراردادی بنیادین با جایگزین کردن اخلاق برابری و قانونی به قرارداد و حقوقی است که طبیعت با نابرابری جسمی بین انسان‌ها موجب شده است.

در این مقاله، نگاه انتقادی در حله نخست متوجه موقعیت کنونی جهان و در مرحله بعد یادآوری اهمیت واحد اخلاقی است که جامعه را به عنوان مجموعه‌ی واحد تشکیل می‌دهد و در آن، قانون افراد را به یکدیگر مرتبط می‌کند.

### دفاع از اخلاق اجتماعی و سیاسی

روسو برای دفاع از این نظر از استدلال‌های مختلفی بهره می‌گیرد. استدلال‌های روسو که در چند زمینه از جمله طبیعت انسانی، مذهب، اخلاق و قانون است، پیرامون یک ایده اصلی است و بین منافع مختلفی که ارتباط اجتماعی را شکل می‌دهند، وجوه مشترک وجود دارد و اگر موردی نبود که همه منافع به آن مربوط شوند، هیچ جامعه‌ی وجود نداشت. بر همین نفع مشترک است که جامعه باید اداره شود و قرارداد اجتماعی اثراتی دارد که بدون آن‌ها غیرممکن است جامعه به حیاتش ادامه دهد.

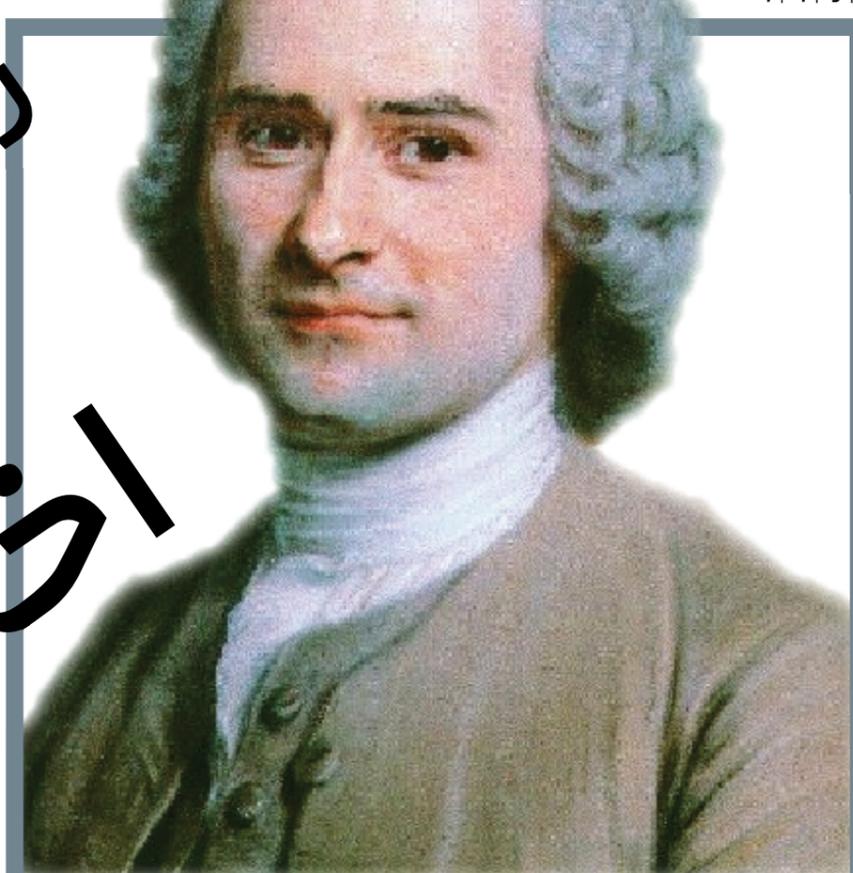
استدلال روسو با شروع از قدیمی‌ترین جوامع و تنها شکل طبیعی آن یعنی خانواده مسیری منطقی می‌پیماید. روسو سعی در نشان دادن این دارد که با اتمام نیاز بچه‌ها به پدرشان ارتباط طبیعی تغییر می‌کند و اعضای خانواده همه‌گی به طور یکسان مستقل می‌شوند. برای رسیدن به این حد، روسو نتیجه می‌گیرد که اگر اعضای خانواده به ماندن در کنار هم ادامه دهند، به صورت طبیعی نیست، بلکه اختیاری است و خانواده فقط با قرارداد حفظ می‌شود. این آزادی مشترک نتیجه طبیعت انسانی است. طبق نظر روسو، خانواده نخستین مودل جامعه است که حاکم، نقش پدر و مردم، نقش بچه‌ها را دارند و همه‌گی به‌طور آزاد و برابر به دنیا می‌آیند. طبق نظر روسو، ارتباط معامله‌ی که نه

شهروندان ویژه را شامل می‌شود، بلکه مربوط به ایجاد ارتباط بین طبقات جامعه است، به عنوان اصل اجتماعی تعریف شده که عبارت است از یک بنیان واقعی برای ارتباطات اجتماعی که از قرارداد اجتماعی روسو بسط می‌یابد و مرجع دادن به معیار سودمندی به ویژه‌گی اخلاقی دیگری از قرارداد اجتماعی مربوط می‌شود که از این پس بر پایه تعادل منافع بین طبقات است. به جای اخلاق سودمندی مشترک بر پایه قربانی کردن، توافق مادی اشتراک منافع بر پایه گسترش منافع ویژه بین خودشان مد نظر است. این اخلاق اجتماعی و سیاسی بر مبنای تقدم منافع ویژه می‌باشد.

### اتحاد اعضای اجتماع

موضوع دیگری که اهمیت دارد، اتحاد اعضای اجتماع است. طبق نظر روسو، اگر دولت مثل شخصی است که زنده‌گی‌اش به اتحاد بین اعضای اجتماع وابسته است و اگر مهم‌ترین آن‌ها بقای خود اوست، برایش نیرویی عمومی لازم است تا بتواند هر گروه را متناسب با دیگران به حرکت درآورد. چون طبیعت به هر انسان، قدرت مطلق بر همه اعضایش را می‌دهد، قرارداد اجتماعی به پیکره سیاسی قدرتی مطلق بر همه گروه‌ها را می‌دهد. بنابراین با پذیرفتن جامعه به عنوان ساختاری طبیعی، جامعه توانمند خواهد بود. روسو مفهوم حقوق را در نظر می‌گیرد. او سه نوع حقوق قایل است: حقوق شهروندان، حقوق حاکم و نیز حقوق طبیعی که باید بر مبنای ویژه‌گی‌های انسانی باشد.

روسو استدلال می‌کند که همه مجرمینی که به حقوق اجتماعی حمله می‌کنند، آشوب‌گر و خاین شمرده می‌شوند، با تجاوز به قوانین از عضو اجتماع بودن درمی‌آیند و حتا با آن مقابله می‌کنند. او نتیجه می‌گیرد که چنین دشمنی، نمی‌تواند فردی اخلاقی باشد. برای روسو مجازات کردن یک مجرم، قرارداد ویژه‌ی است. وی این مجازات را قانونی طبیعی می‌داند که بدون آن جامعه نمی‌تواند ادامه حیات یابد. بنابراین اخلاق برای داشتن جامعه‌ی که در آن افراد به حقوق یکدیگر احترام می‌گذارند، لازم است. بعد از این استدلال، روسو این نظر را مطرح می‌کند که برقراری یک جامعه نیازمند تغییر اعضای آن است. بنابراین باید موجودیت جزیی هر انسان را به موجودیتی که هر کدام از ما از طبیعت دریافت کرده ایم، تغییر داد. این تغییر توضیحی برای تشکیل جامعه است.



رساله روسو باب اخلاق

### بخش دوم و پایانی



داکتر بهزاد معظمی [متخصص گوش، حلق و بینی]

### مشاوره و روان‌درمانی

وز وز باعث تولید احساس رنجش، اضطراب و یا استرس، انزوا، خستگی و بی‌خوابی می‌شود و این عوامل نیز به نوبه خود باعث توجه بیشتر فرد به وز وز می‌گردد. مشاوره و روان‌درمانی، کمک موثری در جهت آرامش فرد می‌باشد. بهبود سبک زنده‌گی، فعالیت بدنی مناسب، مبارزه با افسرده‌گی، خواب مناسب و آرامش، تأثیر زیادی بر روی وز وز دارند.

### توصیه‌ها

تا حد امکان اطلاعات بیشتری را در مورد وز وز خود به‌دست آورید. این اطلاعات شما را از نگرانی و ترس ناشی از عدم آگاهی رها می‌کنند.

عواملی که باعث وخامت وز وز می‌شوند را شناسایی و کنترل کنید. در مواقع بروز استرس شدید، وز وز افزایش می‌یابد. استرس‌ها و نگرانی‌ها باعث بروز وز وز نمی‌گردند اما تأثیرات آن را تشدید می‌کنند. تمرین کنید از استرس‌های غیر ضروری اجتناب ورزید. هر آن‌چه که باعث خشنودی و رضایت شما شود، می‌تواند وز وز را کنترل کند.

هر گاه وز وز به هر نحوی اهمیت خود را از دست دهد، در این صورت فرد می‌تواند وز وز

خود را نادیده بگیرد. برای نمونه: ما به‌طور طبیعی، سر و صدای ناشی از یخچال خانه خود را در آشپزخانه نمی‌شنویم، حال آن‌که آن صدا همیشه وجود دارد. این پدیده بدان علت است که مغز ما آن صدا را مهم تلقی نکرده است.

از قرار گرفتن در محیط‌های ساکت دوری کنید:

وز وز می‌تواند هر روز و حتا در هر ساعت تغییر کند. اصوات جدیدی می‌توانند ظاهر شده و شنیده شوند و یا اصوات قبلی تغییر کند.

حتا اگر وز وز را بلندتر از قبل درک می‌کنید، جای نگرانی نیست.

بسیاری از افراد از این‌که ممکن است وز وزشان بیشتر غیرقابل تحمل شود، ترس دارند. اما آمار نشان می‌دهد که در ارزیابی‌های بعدی، هیچ‌گونه افزایش در بلندی وز وز دیده نشده است.

اگر توجه خود را به کارهای دیگر معطوف کنید، دیگر وز وز گوش شما قابل درک نخواهد بود.

از مصرف زیاد چای، قهوه، نوشابه، مشروبات الکولی و سگرت پرهیز نمایید.

به هنگام خواب، موزیک ملایم گوش دهید.

گوش دادن به صدای پمپ آکواریوم، فن، پنکه، دستگاه بخور و هم‌چنین نوار کاست یا سی دی حاوی اصوات طبیعی (امواج دریا، باران، رودخانه

و...) در پوشش وز وز بسیار موثر هستند.

# وز وز گوش چیست؟ چیست؟

هر گاه وز وز به هر نحوی اهمیت خود را از دست دهد، در این صورت فرد می‌تواند وز وز خود را نادیده بگیرد. برای نمونه: ما به‌طور طبیعی، سر و صدای ناشی از یخچال خانه خود را در آشپزخانه نمی‌شنویم، حال آن‌که آن صدا همیشه وجود دارد. این پدیده بدان علت است که مغز ما آن صدا را مهم تلقی نکرده است.

پیش از نوشتن اولین کلمه، خوب فکر کنید که چه چیز، درباره چه، به چه منظور، برای چه کسی، و چه قدر می خواهید بنویسید.

نوشتن کار است، بی فایده نوشتن بی معنی است. خیلی ها پیش از آن چه می خوانند، می نویسند؛ حیث زحمت، حیث وقت و حیث کاغذ!

از خودتان بپرسید: آیا موضوعی که می خواهم بنویسم، قبلاً نوشته نشده است؟ آیا کس دیگری آن را خلق نکرده است؟ آیا من می توانم حرف تازه تری بگویم یا مطلبی تکراری را بهتر بنویسم؟ آیا اطلاعاتم درباره آن پیش از دیگران است؟ به چه منظور و چرا باید بنویسم؟ با این نوشته به چه کسی خدمت می کنم؟ چند کلمه، سطر، صفحه، یا چند جمله بنویسم؟

آیا می خواهید از ماجرای گزارش تهیه کنید؟ آیا می خواهید تجربه، سرگذشت، حادثه یا قصه‌ی تخیلی را روایت کنید؟ پس، از خودتان بپرسید چرا باید مطلبی را گزارش یا روایت کنم؟

فقط به پرسش کردن اکتفا نکنید؛ سعی کنید در دفتر یادداشت روزانه یا کاغذ چرکنویس، به پرسش‌ها پاسخ بدهید. با این کار، به خودتان، ناشر، و خواننده‌گان‌تان کمک می کنید.

#### به موضوع و مطلب‌تان عشق بورزید.

آیا می خواهید مقاله فنی بنویسید؟ پس درباره چیزی بنویسید که می شناسید. البته متخصصان باتجربه و نویسنده‌گان متون تخصصی و باتجربه و نویسنده‌گان متون تخصصی و فنی نیز همه چیز را نمی دانند. اما کسی که فقط به دانش خود بسنده کند، زیر پایش زود خالی می شود.

پس سوژه را از "کجا" تهیه کنیم و "چه‌گونه" در جای مناسب قرارشان دهیم.

کجا: اول در ذهن، دوم در پایگانی (کتاب‌های تخصصی، مجله‌ها و مقاله‌های گردآوری شده و تکه‌های روزنامه)، سوم در کتاب‌های مرجع و دایرةالمعارف‌ها، چهارم در تازه‌های نشر که در کتاب‌شناسی کتاب‌فروشی‌ها می توانید پیدا کنید یا از کتابخانه‌ها امانت بگیرید. کاربرد این مرجع‌ها فقط محدود به نوشته‌های تخصصی نیست، اگر تصمیم دارید سرگذشت و زنده‌گی اشخاص را روایت یا گزارش کنید، این مراجع می توانند کاربرد فراوانی داشته باشند.

چه‌گونه: اول استفاده از اصول طلایی، دوم تحصیل در آموزشگاه نویسنده‌گی، سوم عشق ورزیدن به نوشتن. اگر شما با چنین اساسی به کارتان روی آورید و آن را در عمل به کار گیرید، توانایی‌تان خودبه‌خود افزایش می یابد.

#### به اجزای کار و افکار‌تان نظم بدهید.

برای شروع همه مطالب را یکجا بنویسید. دیدگاه‌های اصلی موضوع را - به هر اندازه که مایل استید - روی کارت‌های یادداشت بنویسید. کارت‌های حاوی دیدگاه‌های اصلی را در گروهی جداگانه قرار دهید و نظم منطقی به آن‌ها بدهید.

دیدگاه‌های فرعی را در کارت‌ها یا کاغذ یادداشت‌های جداگانه (بهرتر است از رنگ دیگری استفاده شود) بنویسید. آن‌ها را براساس تعلق به گروه اصلی منظم کنید. کارت‌ها را در ردیف‌های مرتب روی هم بگذارید و این کار را آن قدر تکرار کنید تا مجموعه اجزای کارت‌تان به نظم منطقی دربیاید.

بی گمان متوجه شده‌اید که این نسخه برای نوشته‌های فنی و تخصصی به کار می‌رود. اگر می خواهید مطلبی را گزارش یا روایت کنید (داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه‌های تلویزیونی یا رادیویی یا سایر مطالب) می توانید برای اشخاص (اسامی، روحیات، غرایز، عادات) و برای مکان و رویدادها و حادثه اصلی داستان از کارت‌های اصلی استفاده کنید. برای اشخاص و مکان‌های فرعی، و وقایع فرعی نیز از کارت‌های فرعی استفاده کنید. کارت‌های فرعی را مانند کارت‌های اصلی مرتب و طبقه‌بندی کنید. پایان این مرحله، پایان مشکل‌ترین بخش "کار نوشتاری" است. حال بس‌تان می‌تواند حرکت کند. تعجب خواهید کرد! درست مانند بس درون‌شهری می‌شود!

برای خودتان بنویسید، بل که برای خواننده بنویسید؛ به عبارت بهتر: ساده بنویسید.

همه ما به زبان خاص خودمان صحبت می‌کنیم. زبان می‌تواند ساده (نه پیش پا افتاده) و قابل درک یا علمی و مشکل باشد. زبان‌های حد وسط زیادی در این بین وجود دارند که می‌توانند به شکلی زیبا بدرخشند.

باید خوش‌حال باشیم که هرکس از شیوه خاصی برای صحبت کردن استفاده می‌کند و گرنه برای یکدیگر کاملاً خسته‌کننده می‌شدیم. با این حال، همه ما یک زبان را برای نوشتن دوست داریم: زبان ساده و روان، کوتاه، واضح و قابل درک. اگر به زبانی غیر از این یا بر اساس زبان دیگری بنویسید، بسیاری از خواننده‌گان را از دست می‌دهید.

در میان اصول پایه نگارش، اصل ساده‌گی ضربه‌پذیرترین آن‌ها محسوب می‌شود. به همین دلیل بسیاری از نوشته‌ها خواننده نمی‌شوند و بسیاری از کتاب‌ها به گورستان کلمات، جملات و افکار تبدیل می‌شوند.

چرا این‌گونه است؟ بیشترینه، وقتی پشت دستگاه تحریر می‌نشینیم یا قلم را در دستان خود می‌گیریم، ناگهان حالت طبیعی خود را از دست می‌دهیم و فراموش می‌کنیم که خودمان باشیم. بدین‌گونه، زبان گفتاری‌مان تبدیل به زبان فصاحت و بلاغت می‌شود.

آیا به‌راستی نمی‌شود افکار بزرگ را در قالب کلمات ساده آورد؟ البته که می‌شود! همه نویسنده‌گان واقعی توانستند، شما نیز می‌توانید؛ به شرطی که با کلمات دست‌وپنجه نرم کنید، نه این‌که هرچه به فکرتان رسید

بلافاصله بنویسید. آن‌وقت هنر مشکل (اما قابل فهم) ساده‌نویسی شروع می‌شود. مشکل است. باور نمی‌کنید؟ پس حرف شوپنهاور را قبول کنید؛ او می‌گوید: «هیچ کاری مشکل‌تر از این نیست که مهم‌ترین افکار را به زبانی قابل فهم برای همه بیان کرد».

**عنوان می‌تواند مانند آهن‌ربا باشد، شروع باید به چشم بیاید.**

عنوان، آهن‌ربا باشد؟ آیا "خدایان، گورکن‌ها و دانشمندان" عنوانی که "سرام" برای کتابش انتخاب کرد، هم‌چون آهن‌ربا بود؟ یا مانند برگ برنده بخت‌آزمایی، شانس آورد؟

در واقع همه چیز تعیین‌کننده بود: عنوان کتاب، اوج داستان، کنجکاوی خواننده و شیوه روایت سرام. موضوع کتاب درباره مسأله‌ی واقعی است، اما سرام واقعیت‌ها را پشت سر هم ردیف نمی‌کند، چون واقعیت‌ها هزاران بار در عالم حقیقی رخ داده‌اند. سرام فقط روایت می‌کند و این همان نیرنگ و نیوغ اوست.

لسینگ - نویسنده و متفکر نابغه - می‌گوید: "عنوان نباید فهرستی از رویدادهای کتاب باشد، هرچه کم‌تر وقایع را فاش کند، بهتر است."

آیا عنوان کتابش - "ناتان خردمند" - از وقایع کتاب خبر نمی‌دهد؟ آیا عنوان کتاب سرام گوشه‌یی از مطالب کتاب را فاش نمی‌کند؟ آیا شهرت جهانی کتاب "آنا کارنینا" اثر تولستوی و "ویکتوریا" اثر هامزون و "خانواده بودن بروک" توماس مان به خاطر انتخاب عنوان‌شان است؟ ما نمی‌توانیم برای شما نسخه بیچشم، هیچ‌کس دیگر هم نمی‌تواند. اما توجه داشته باشید که فقط اگر نویسنده خوبی باشید، عنوان کتاب‌تان هرچه باشد موفق می‌شود. جذاب‌ترین عنوان می‌تواند چرندترین متن را داشته باشد و کسالت‌آورترین عنوان نشاط‌آورترین متن را در پی داشته باشد. اما به‌طور عام، هر آن‌چه درباره نوشته خوب گفته می‌شود، درباره عنوان هم صادق می‌کند. پس، عنوان باید ساده، کوتاه، و واضح باشد.

برای نوشتن مقدمه نیز همین‌طور عمل کنید. اگر مطلب فنی - تخصصی می‌نویسید، به سرعت آن‌چه را که خواننده انتظار دارد، جلوی چشمش قرار دهید. جملات متن باید کوتاه، ساده، و واضح باشد. خواننده را متعجب کنید! بگذارید احساس کند تک‌خال حکم را در دست دارد و اوست که باید بازی را شروع کند.

**شما می‌توانید ببینید، بچشید، لمس کنید، حس کنید و بشنوید. خواننده‌گان شما هم همین حس‌ها را دارند. بسیاری از نویسنده‌گان این واقعیت را فراموش می‌کنند.** نویسنده‌گان تهی دست، خواننده‌گان تهی دست! زبان آلمانی - یکی از غنی‌ترین زبان‌های دنیا - بیش از ۵۰۰۰۰۰ واژه مختلف دارد. با این واژه‌ها می‌توان تمام احساسات را بیان کرد.

این واژه‌ها، واژه‌های شما هستند؛ واژه‌هایی برای خواننده‌گان‌تان. واژه‌ها را بیابید و برای تهیه غذایی خوش‌مزه آن‌ها را بپزید، بجوشانید، کباب کنید، سرخ کنید، روی شعله ملایم بگذارید، برشته کنید و روی میز بچینید و بیازید!

در این زمینه طبعاً قواعد و قوانینی برای یادگیری وجود دارد، اما در این فرصت کوتاه مجال پرداختن به آن‌ها نیست. یک مثال برای شما انتخاب کرده‌ایم که مفهوم احساسات پنج‌گانه انسان را می‌توان در آن‌ها یافت:

از "یان بوبل از ورشو" اثر لویی‌زه رایتز:

«روزهای بعد آرام سپری می‌شد. هوا دوباره تابستانی شده بود. درخت فلکس که دیگر پژمرده شده بود، به

توضیح‌های اضافی باعث خسته‌گی خواننده می‌شود. اگر می‌خواهید حرفی بزنید، مستقیماً اصل مطلب را بگویید.

از قلم قرمز برای حذف جملات و کلمات غیرضروری استفاده کنید. هرچا مطلبی به نظر‌تان زاید می‌رسد، دورش را خط قرمز بکشید.

با مطالعه روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتاب‌های علمی و گوش‌دادن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون متوجه صحبت‌های تکراری و زاید فراوانی می‌شوید. خودکار قرمز در این مواقع کاربرد فراوانی دارد: فقط کافی‌ست خط بکشید. لطفاً این کار را انجام دهید! با هر خطی که دور کلمات و جملات زاید می‌کشید، هدیه‌یی به خواننده‌گان‌تان می‌دهید. خودتان نیز متعجب می‌شوید که متن چه زبان ساده و خواندنی‌یی پیدا می‌کند. زبانی که خواننده همانند زبان مادری‌اش از آن لذت می‌برد. اگر با این زبان بنویسید، خواننده‌گان‌تان (حتا روشنفکران) علاقه‌مند می‌شوند که مطالب بیشتری از شما بخوانند.

**آن‌چه می‌نویسید، باید نفس بکشد.**

تکه‌گویی نکنید. خواننده دوست دارد وقتی درباره رشته‌یی تخصصی و خشک مطلبی می‌خواند، مورد خطاب واقع شود. حتا وقتی مطلبی آموزشی می‌خواند، می‌خواهد سرگرم شود. مطالب توضیحی و آموزشی نیز باید سرگرم‌کننده باشند.

از این‌که مورد خطاب قراتان می‌دهیم و سرگرم‌تان می‌کنیم، خوشحال نیستید؟ شما نیز باید با خواننده صحبت کنید و با او گپ بزنید. یعنی چه؟ یعنی نوشتن مکالمه‌یی دوطرفه با خواننده است. اگر این‌طور نباشد، پس لایب برای سطل زباله می‌نویسد. ولتر می‌گوید: «غیر از نوشته کسالت‌آور، انسان مجاز است هر مطلبی بنویسد. آشپز خوب می‌تواند از سنگ هم غذایی خوش‌مزه درست کند.»

**کلمات را چنان در جای خود بنشانید که انگار به‌راستی نشسته‌اند.**

اصلی ساده و بدیهی، حق با شماست. اما به ندرت می‌توان از این بند تا انتها پیروی کرد. کمتر کسانی موفق شده‌اند که آن را کاملاً اجرا کنند (تقریباً هیچ‌کس). شما نیز زمانی می‌توانید موفق شوید که بسیار کار کنید و هر جمله را ده بار یا بیشتر تغییر دهید و خیلی از جملات را دور بریزید.

شما هنوز توماس مان نشده‌اید، ما هم برنده جایزه نوبل را تعیین نمی‌کنیم. توماس مان جملات مجزا را کنار هم می‌نوشت. در عین حال این رشته از جملات مانند تصاویر بدون توضیح روزنامه‌یی، خواندنی بود. صحبت‌های شوپنهاور را بشنوید:

«یکی از اصول اساسی در نوشتن، این است که انسان در آن واحد و به‌طور مشخص، فقط به یک نکته فکر کند، نه این‌که هم‌زمان به دو موضوع یا بیشتر فکر کند. آلمانی‌ها افکارشان را درهم می‌پیچند و به تسلسل باطل می‌پردازند. چون به جای این‌که یکی پس از دیگری به مسایل مختلف بپردازند، می‌خواهند یک‌دفعه شش مساله را بیان کنند!»

ما نیز وقتی با عجله چیزی می‌نویسیم یا دیکته می‌کنیم، جملات‌مان از فرط شتاب درهم و برهم می‌شود. اشکالی ندارد؛ پس قلم قرمز به چه کار می‌آید؟ بسیاری از مواقع نیز جملات مجزای بسیاری می‌نویسیم که سپس آن‌ها را خط می‌زنیم، چون دست‌نوشته‌های اولیه تقریباً خیلی طولانی می‌شود، اما نه به این معنی که یک‌دفعه صدوشتاد درجه بچرخید و نوشته‌های‌تان مانند اخبار روزنامه‌یی خلاصه بشود.

اندازه جملات قاعده‌یی کلی ندارد. جملات بیسمارک در "افکار و خاطرات" به‌طور متوسط ۲۴ کلمه، بل در "بیلیارد در ساعت نه‌ونیم" ۳۱ کلمه و فریش در "شتیلر" ۱۹ کلمه است.

بهرتر است جملات شما بین ۱۵ تا ۲۰ کلمه داشته باشند.

**باید واضح بنویسید.**

تولستوی می‌گوید: «خوب فکر کنید که چه می‌خواهید، اما طوری فکر کنید که هر کلمه‌یی به تنهایی قابل درک باشد. اگر زبان واضح و روان باشد، نمی‌توان بد نوشت.» درباره آلمانی‌ها می‌گویند: «در هیچ کشوری به اندازه آلمان مطالب غامض و پیچیده و نامفهوم نوشته نمی‌شود.» و باز می‌گویند: «آلمانی‌ها توان و اراده واضح نوشتن ندارند.»

مشکل ناتوان بودن، قابل حل است. به‌طور قطع انسان آن‌چه را نمی‌داند، می‌تواند یاد بگیرد. اما بی‌اراده بودن، خیلی بد است. به نظر ما کسانی که پیچیده می‌نویسند، می‌خواهند دیگران متوجه نشوند که حرفی برای گفتن ندارند.

دو فرض را در نظر بگیرید: اول این‌که واضح نوشتن به زبان آلمانی مشکل است، بسیار مشکل‌تر از مثلاً زبان فرانسه. دوم این‌که زبان مشکل، فکر کردن را هم مشکل می‌کند. اما فقط کسی که واضح فکر می‌کند، می‌تواند واضح بنویسد.

مبهم و غیرواضح بودن عبارات، همیشه و همه‌جا نشانه‌یی بسیار بد است. چون از ۱۰۰ مورد ۹۹ مورد آن به دلیل مبهم بودن تفکر است. آن‌چه را که انسان قادر به فکر کردن درباره آن است، می‌توان در همه‌جا با کلماتی واضح، جامع و تک‌مفهومی بیان کرد. کسانی که با عبارات‌های مشکل، مبهم و چندپهلوی کلمات را کنار هم قرار می‌دهند، خودشان هم درست نمی‌دانند که می‌خواهند چه بگویند. آن‌ها فقط تصویری مبهم از ایده‌یی را در ذهن دارند و بیشترینه، می‌خواهند از خودشان و دیگران پنهان کنند که حرفی برای گفتن ندارند.

ما و بسیاری دیگر معتقدیم هرکس بتواند خوب صحبت کند، می‌تواند خوب می‌نویسد. اما اشتباه‌تر از این، سخنی پیدا نمی‌شود. برعکس، کسانی که بسیار خوب صحبت می‌کنند، اغلب بسیار بد می‌نویسند.

با نیچه هم عقیده‌ایم: «وقتی ابتدا سبک‌مان را تصحیح کردیم، و به عبارت دیگر: بهتر نوشتن را یاد گرفتیم، آن وقت یاد می‌گیریم که واضح فکر کنیم و واضح صحبت کنیم.»

ما دلیل اصلی غامض و غیرقابل فهم نوشتن را اشتباه درک کرده‌ایم. تا زمانی که در فکرمان سست هستیم و سبکی آشفته داریم، نمی‌توانیم خوب نوشتن را یاد بگیریم.

**نکته پایان نمی‌یابد.**

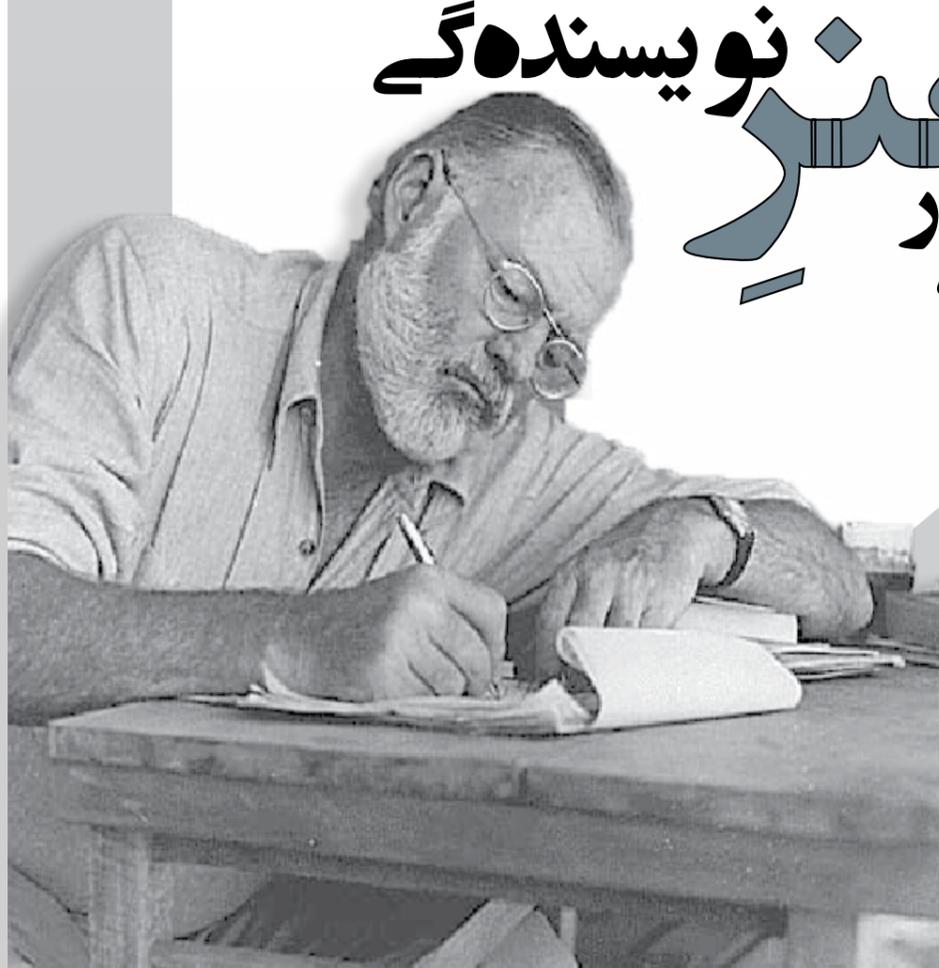
نظرهای متفاوت دو استاد نویسنده‌گی را نقل می‌کنیم (از آوردن اسم آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم)، یکی می‌گوید: «ساده‌ترین بخش، نوشتن قسمت پایانی است.» دیگری می‌گوید: «پایان مشکل‌تر از آغاز است.»

کدام یک درست است؟

هر دو، وقتی متنی تخصصی یا فنی می‌نویسید، نوشتن پایان آن مشکل نیست. معمولاً کافی است با استفاده از نوشتن جمله واضح و موثر جمع‌بندی کنید. بعضی مواقع هم با استفاده از چند جمله مختصر و مفید به پیشرفت‌های احتمالی آینده اشاره کنید. نوشتن پایان مطلب، وقتی مشکل است که مطلبی را روایت می‌کنید. پایان نوشته‌های نویسنده‌گان بزرگ را مطالعه کنید. نیازی به ذکر اسامی آن‌ها نیست، چون در طول دوره نویسنده‌گی، اسامی آن‌ها را به اندازه کافی می‌شنوید و می‌خوانید.

# هنرِ نویسنده‌گی

## اصول طلایی در





## وزارت انکشاف دھات:

# تا چهار سال اکثریت مردم از آب آشامیدنی صحی استفاده خواهند کرد



سخنران خود گفت که برنامه کارایی هم در غور، بادغیس و نیمروز آغاز شده که هزاران نفر در این سه ولایت برای سال ۱۳۹۶ شامل کار خواهند شد.

کار است. او تأکید کرد که برای سال ۱۳۹۶ هم ۲۲ پروژه آبرسانی، ۲۴ پروژه سرک سازی در سراسر غور شامل پلان است. سخنگوی وزارت انکشاف دھات در بخشی از

کیلو متر از مرکز این شهر مسافت دارد. به گفته وی، مرحله اول این پروژه که انتقال آب به شهر زرنج است تکمیل شده و مرحله دوم آن که توزیع آب آشامیدنی به خانه‌ها می باشد تا آخر ماه جاری خورشیدی تکمیل خواهد شد. او خاطر نشان کرد که با تکمیل شدن این پروژه حدود ۲۰۰ هزار نفر در شهر زرنج و قریه های همجوار آن، به آب آشامیدنی صحی دسترسی پیدا خواهند کرد. سخنگوی انکشاف دھات بیان داشت که مرحله اول آبرسانی به شهر قلعه نو مرکز ولایت بادغیس نیز تکمیل شده مرحله دوم آن نیز تا دو ماه آینده تکمیل خواهد شد. اکبر رستمی گفت که ولایت بادغیس با کمبود آب زراعتی نیز مواجه است و از این روز وزارت احیا و انکشاف دھات، بزرگترین بند آب گردان را به هزینه ۱۷.۵ میلیون دالر در بادغیس می سازد که سروری آن تکمیل شده است. به گفته وی، وزارت انکشاف دھات، ۸۴۳ پروژه را در ده ولسوالی غور تکمیل کرده و ۷۲ پروژه هم در ولسوالی های مختلف این ولایت زیر

وزارت احیا و انکشاف دھات افغانستان می گوید که بر اساس برنامه میثاق شهروندی تا چهار سال آینده بیش از هفتاد و شش درصد مردم از آب آشامیدنی صحی استفاده خواهند کرد. نبود شبکه های معیاری آب آشامیدنی صحی در شهرهای افغانستان از مشکلاتی است که مردم همواره از این ناحیه شکایت داشته اند. دولت افغانستان از ۱۶ سال گذشته تاکنون فقط برای ۵۷ درصد مردم شهرهای کشور آب آشامیدنی صحی توزیع می کند؛ اما این خدمات در بسیاری ولایت به ویژه در کابل به شکل مقطعی ای ارائه می گردد. اکبر رستمی سخنگوی وزارت احیا و انکشاف دھات روز شنبه (۱۴ حوت) در کابل گفت که در حال حاضر توجه این وزارت برای ارائه خدمات آب آشامیدنی در ولایت های نیمروز، بادغیس و غور است که از نظر شهری کمتر انکشاف یافته اند. آقای رستمی افزود، وزارت انکشاف دھات، برای آب رسانی به شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز، ذخیره ای در اطراف دریای هلمند ساخته که ۴۵

## کار شهرک صنعتی باریک آب آغاز می شود

از سوی هم، پیمانکاری رییس اداره تدارکات ملی کشور گفت: "اداره تدارکات ملی برای اداره انکشاف زون اقتصادی پایتخت تصدیق نامه ظرفیت تدارکاتی را اعطا می کند؛ زیرا این داره پرکار است و ظرفیت خوبی را در خود ایجاد کرده است." اداره انکشاف زون پایتخت، هفت ماه پیش طی فرمانی از سوی رییس جمهور غنی ایجاد شد. این اداره جایگزین اداره جدید شهر کابل است و به منظور ایجاد محیط سالم شهری در پایتخت ایجاد شده است. زون پایتخت، شهرکابل و تمامی ولسوالی های آن، میدان شهر، شهر چاریکار، ولسوالی جبل السراج و بگرامی پروان، شهر محمودراقی ولایت کاپیسا و ولسوالی کوهستانات این ولایت، پل علم مرکز ولایت لوگر و ولسوالی های محمد آغه و خوشی این ولایت را شامل می شود.

زمینه کاری از آنان گرفته شده بود، نیز جا داده می شود. این شهرک بالای زمین های دولتی در ولسوالی باریک آب ولایت پروان ساخته می شود که قبلاً از سوی مردم غصب شده بود؛ اما اخیراً طی فرمان رییس جمهور غنی مبنی بر بازپس گیری زمین های غصب شده دولتی، از آنان پس گرفته شده است. گل نسی احمدزی رییس گارنیزیون کابل گفت که این اداره تا هنوز هزاران جریب زمین دولتی را در ساحات، بتخاک، چهار آسیاب، دامنه کوه قوریخ، قرغه و باریک آب از غاصبان پس گرفته و یا از غصب زمین های دولتی در این مناطق جلوگیری کرده است. آقای احمدزی گفت که نیروهای گارنیزیون کابل وظیفه دارند تا در همکاری با شهرداری کابل از غصب زمین های دولتی و اعمار ساختمان های خود سر جلوگیری کند.



هزار نفر مشغول کار خواهند شد. الهام عمر هوتکی رییس اداره انکشاف زون پایتخت گفت: "برای ساخت پروژه شهرک صنعتی باریک آب ۱۵ میلیون دالر از سوی دولت سرمایه گذاری می شود که در چند سال آینده حدود ۲۸ میلیون دالر عاید خواهد داشت." آقای هوتکی افزود: این شهرک ظرفیت جذب ۲۰۰ میلیون دالر سرمایه گذاری خصوصی را دارد و برای ۱۰۰ فابریکه ای که در کشورهای همسایه

قرارداد آغاز کار عملی شهرک اقتصادی و انکشافی باریک آب، با دو شرکت داخلی به امضا رسید. این قرارداد روز شنبه (۱۴ حوت) میان اداره انکشاف زون پایتخت و دو شرکت داخلی در حضور رییس جمهور غنی در ارگ ریاست جمهوری امضا شد. شهرک اقتصادی و انکشافی باریک آب گنجایش هزار فابریکه تولیدی را دارد و با ساخت آن، ۳۵

# د افغانستان شمال ختیخ کی د نا امنیو پراخېدو په اړه اندېښنې

غني د افغان امنیتخواکونو د لمانځني په ورځ وویل چې راتلونکی کال به د وسله والو مخالفینو د ماتې کال وي او د امنیتخواکونو په مرگ ژوبله کې به هم کموالی راځي.

خو له دې ټولو سره - سره د افغانستان د دفاع وزارت د ویاند مرستیال محمد رادمنش وايي، همدا اوس اتیا په سلو کې افغان ځواکونه د هېواد په شمال ختیځو ولایتونو کېځای پر ځای شوي او پخپلو عملیاتونو کې یې وسله والو طالبانو ته سختې ماتې ورکړي چې دوام لري. نوموړي زیاته کړه:



د دغه ولایت د برکي، مرکزي بغلان، دهنه غوري او ډنډې شهاب الدین ولسوالۍ یا د طالبانو په لاس کې دي او یا هم له لوړو امنیتي تهدیدونو سره مخ دي. نوموړي زیاته کړه: "د برکي او مرکزي بغلان ولسوالیو له دېرشو تر څلوېښت سلنې د طالبانو په لاس کې دي، دهنه غوري او ډنډې شهاب الدین په بشپړ ډول د دغېدلې په لاس کې دي، ستونزه د مرکز څخه په سلېقوي چلند او ټاکنو کې ده، تر هغې چېپه حکومتوالي په دغو ولایتونو کې رامنځته نشي دا سردردۍ به دوام کوي." نېرډې یوه اوونۍ وړاندې ولسمشر محمد اشرف

"په هغو سیمو کې چې د مخالفینو لخوا تهدیدونه موجود و هلته زموږ عملیاتونه دوام لري، موږ خپل امنیتخواکونه اتیا سلنه تجهیز کړي، زموږ فعالیتونه دوام لري، دا چې راتلونکي کال کې به څه کېږي، ستونزه ته په کتو موږ خپلې مبارزې ته دوام ورکوو، خو د مخالفینو د خپلو په هدف د سیمې او نړۍ په کچه ملاتړ ته اړتیا لیدل کېږي." ښاغلی رادمنش وايي، دوی هیله من دي چې په راتلونکي کال کې به افغان امنیتخواکونه د نړیوالې پولې په مرسته لا ښه تجهیز شي. خو د ولایتي شورا استازي بیا دا ډول څرگندونې له شعاره اخوا بله څه نه گڼي او وايي چې افغان حکومت د ژمي په فصل کې د لویو عملیاتونو موقع له لاسه ورکړه.

د افغانستان د شمال ختیځو ولایتونو د ولایتي شوراگانو یو شمېر استازي په یادو ولایتونو کې د وسله والو مخالفینو د فعالیتونو له زیاتواليڅخه اندېښنېښي او په وړاندې یې د جدي اقداماتو غوښتنه کوي.

دوی وايي، د دغو ولایتونو ځینې سیمې او یو شمېر ولسوالۍ د طالبانو په لاس کې دي چې که تازه دمې ځواکونه او تجهیزات ورته ونه رسېږي، نو راتلونکي پسرلی به خونړی وي.

د بدخشان د ولایتي شورا د یو شمېر استازو په خبره، د دغه ولایتمکان، وردج او جرم ولسوالۍ د طالبانو او یو شمېر نورو بهرنیو جنګیالیو په مرکزونو بدلې شوي چې په کې خپلو جنګیالیو ته روزنه ورکوي.

د بدخشان د ولایتي شورا غړي عبدالله ناجي نظري ازادي راډیو ته وویل، دوی ولسمشر مانی او دولت سره د خپلو اندېښنو شریکولو په هدف کابل ته راغلي.

ښاغلی نظري وايي، که د بدخشان وضعیت ته سمه پاملرنه ونشي نو راتلونکي پسرلی به خلکو ته ډېر خونړی او له ناوړه پېښوڅخه ډک وي. نوموړي زیاته کړه:

"د بېم جوړولو او جنګیالیو د روزولو فعالیتونه عملاً په کې روان دي، موږ د همدې موضوع لپاره کابل ته راغلي یو چې مسؤلینو سره خبرې وکړو، که دې موضوع ته جدي پاملرنه ونشي نو راتلونکي پسرلی



**فیسبوک نامه**

عبدالرشید فکرت



رسانه و عادی سازی روابط

رسانه به صورت عموم، به ویژه رسانه‌های تصویری، نقش به‌سزایی در زنده‌گی انسان مدرن ایفا می‌کنند. رسانه را می‌توان به یک معنا، هوش نهفته در پیکره سرگردان جامعه دانست. روی این اهمیت، هر یک از نهادهای مالی، سیاسی و اطلاعاتی داخلی و خارجی بالتوجه توش و توان اعظمی خویش را در جهت کنترل و اعمال نفوذ بر رسانه‌ها به کار می‌بندند تا از این مجرا ذهنیت عمومی را همواره در قید خویش نگه دارند.

آزادی بیش از حد مطبوعات در افغانستان سبب شده تا پاره‌یی از سریال‌های خارجی و برنامه‌هایی که در پی اشاعه «عادی سازی روابط» و «ابتدال شر» آستین برزده‌اند، بی‌هیچ سانسوری پخش و نشر شوند. رسانه‌ها در کشوری که هر روز فرزندان آن به خاک و خون کشیده می‌شوند و روزی نیست که گواه حادثه ناگوار نباشد، از هر فرنگی‌یی فرنگی‌تر عمل می‌کنند و گویی در ترویج برهنه‌گی و هرزه‌پراکنی از یکدیگر گوی سبقت ربوده‌اند.

نشر و پخش یک‌چنین برنامه‌هایی که در جهت مخالف آداب عمومی جریان دارد، آب در آسیاب گروه‌های افراطی می‌ریزد و کارد دست کسانی می‌دهد که عطش خون‌خواره‌گی‌شان جز با کشتن بی‌گناهان و واکنش‌های خشونت‌بار فرو نمی‌نشیند. پُر روشن است که نشر این‌گونه برنامه‌ها، علی‌رغم آنکه با آموزه‌های اخلاقی و احکام اسلامی در تعارض است، به لحاظ فرهنگی به سیطره هرچه بیشتر غرب، همسان‌سازی فرهنگی بر پایه الگوهای غربی و گسستن از ارزش‌های اخلاقی-دینی جامعه کمک شایانی می‌رساند. در برابر چنین رسانه‌هایی باید یک‌دست ایستاد و با گسترش آگاهی عمومی، زمینه‌های فراگیر تر شدن برنامه‌های آنان را محدودیت بخشید.

باسط آریانفر



اقوام غیر افغان (تاجیک، ازبیک، هزاره، ترکمن، ایماق، نورستانی، عرب، بلوچ، قزلباش...) تا کنون با یک هویت تحمیلی و مجعول در عصر اندیشه‌ورزی و تمدن و تکنولوژی، حیات بدوی داشتند و ابزار دست چند آدم سودجو و خودمحمور بودید. اکنون اما زمان آن فرا رسیده است که با چنگ‌زدن به رسمان عدالت‌خواهی و رفتن به سوی خوداراده‌گی، به این مستبدین و تصامیم مستبدانه‌شان یک «نه» بزرگ و سرنوشت‌ساز بگویید. تسلیم‌پذیری و گوسفندانه‌گی رسم عیاری نیست. شناسنامه‌های برقی متضمن آینده سیاسی و فرهنگی من و شما است. از کنار آن به ساده‌گی گذشته به معنای مشروعیت‌بخشیدن به قبایله استبداد این مغرضان است. از نظامی که رأی و خواست صد تن را بر رأی و خواست چندین میلیون ارجحیت می‌دهد، نباید چشم‌داشت عدالت داشت. حق را باید گرفت.

مهدی ثاقب



وقتی در ابتدای شناسنامه می‌نویسند «جمهوری اسلامی افغانستان»، چه نیازی به مطرح کردن قومیت است؛ وقتی ما از افغانستان هستیم، به کاربردن واژه «افغان» چه دردی را دوا می‌کند و یا اگر قومیت تاجیک، پشتون، هزاره، ازبیک و دیگر هویت‌های قومی را حتماً داخل شناسنامه بگنجانیم، چه شاهکاری در عرصه شناخت خود در جهانی کرده‌ایم که همواره داد از یکجایی ملیت‌های جهان می‌زنیم. بسیاری از کشورها به مراتب نسبت به کشور ما با تکثر قومیت‌ها مواجه‌اند، اما در شناسنامه‌های هویتی کشور خود هیچ نامی از قوم و نژاد و گروه و کتله اجتماعی نمی‌برند. به باور من، نه نیازی به کاربردن کلمه «افغان» در تذکره داریم و نه نیازمند گنجاندن عنوان ده‌ها قوم و نژاد و گروه؛ به‌خاطر آنکه همین جمله جمهوری اسلامی افغانستان بالاترین مفهوم هویت جمعی یک مردم را در پهنای جغرافیای سیاسی یک سرزمین تداعی می‌کند. با توهین کردن به یکدیگر، نه تنها چیزی درست نمی‌شود، بلکه میزان تفرقه و دشمنی را میان مردم افغانستان بیشتر می‌سازد.

در نهایت این‌که ما در آینده نزدیک با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم؛ ما عضو یک خانواده بزرگ در افغانستان هستیم، اگر در کنار هم قرار نگیریم، به راحتی دشمنان ما می‌تواند ما را بشکنند، از میان بردارند و نابودمان کنند، آن وقت حتی نمی‌توانیم نامی یا نشانی از خاک قریه خود در هویت‌مان بسازیم، چون برای ما رمقی و توانی جهت حفظ یک هویت ابتدایی نمی‌گذارند، آنان حتی برای ما نفس کشیدن را نیز تحریم خواهند کرد. بگذاریم و بگذریم از این پروژه‌هایی که نفرت تولید می‌کند و فضا را برای یک باهمی و یکجایبودن مسموم می‌کند.

و من پشتون هزاره تاجیک ازبیک قزلباش سادات ترکمن ایماق پشه‌یی به این باورم که ما هستیم با تمام هویت جمعی خود که می‌توانیم یک مشت شویم، یک دریا شویم و یک آسمان برای دنوردیدن و ختنی کردن تمام دسیسه‌های دشمنان....

**جمعیت مسلمانان و مسیحیان**

**در سال ۲۰۵۰ چه تعداد خواهد بود؟**

برآوردهای مرکز تحقیقات «پیو» نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نسبت جمعیت مسلمانان تقریباً برابر با جمعیت مسیحیان خواهد شد.

گزارش‌های جدید منتشر شده توسط «مرکز تحقیقات پیو» در امریکا درباره پیروان ادیان و مذاهب مختلف نشان می‌دهد که علی‌رغم گسترش باورهای سکولار و به تبع آن، ناخداپاوران (بی‌دینان) در اقصی نقاط جهان، تا سال ۲۰۵۰ همچنان دو دین اسلام و مسیحیت بیشترین پیروان را در جهان دارا خواهند بود.

جالب این‌جاست که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، پیروان آئین اسلام تقریباً برابر با پیروان آئین مسیحیت خواهند شد و هندوها نیز با افزایش قابل توجه جمعیت خود، از تعداد ناخداپاوران پیشی خواهند گرفت.

بررسی‌ها و برآوردهای مرکز تحقیقات پیو نشان می‌دهد که در سال ۲۰۵۰ میلادی، تعداد پیروان آئین مسیحیت به بیش از ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. با فاصله اندکی از آنان نیز جمعیت مسلمانان (با بیش از ۲ میلیارد و ۷۵۰ میلیون نفر) قرار خواهد گرفت.

براساس برآوردهای مرکز تحقیقات پیو، طی بازه زمانی چهل ساله ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰، درحالی‌که حدود ۷۴۹ میلیون مسیحی به تعداد پیروان این دین افزوده می‌شود که مسلمانان شاهد افزایشی بیش از ۱ میلیارد و ۱۶۰ میلیونی در بین هم‌کیشان خود خواهند بود.

در بین ادیان عمده جهانی، تنها جمعیت بودایی کاهش یافته و یک‌ونیم میلیونی را تجربه خواهد کرده و از تعداد ۴۸۷ میلیون و ۷۰۰ نفر به ۴۸۶ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر کاهش خواهد یافت.

این تغییر جمعیتی به این معنا است که طی بازه زمانی ۴۰ منتهی به ۲۰۵۰، جمعیت مسلمانان بیش از ۷۲ درصد افزایش خواهد یافت. پس از آن نیز جمعیت مسیحیان و هندوها هستند که به ترتیب رشدی ۳۴،۵۸ درصدی و ۳۴،۱۲ درصدی را تجربه خواهند کرد.

همان‌طور که در نمودارهای این مرکز مشاهده می‌شود، نسبت جمعیت مسلمانان به کل جمعیت جهان از ۲۳ درصد به حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. درحالی‌که نسبت جمعیتی مسیحیان و هندوها ثابت مانده و حدود سه درصد از جمعیت ناخداپاوران کاسته خواهد شد.

**نگرانی چین نسبت به مانور نظامی**

**امریکا و کوریای جنوبی**

وزارت خارجه چین نسبت به مانور نظامی تمام عیار کوریای جنوبی و امریکا که به تازه‌گی آغاز شده، ابراز نگرانی کرد. وزارت خارجه چین روز گذشته اعلام کرد که پکن نگران تمرینات نظامی مشترک تمام عیار بین کوریای جنوبی و امریکا است.

گنگ شوانگ، سخنگوی وزارت خارجه چین در سخنانی تأکید کرد: ما پیش از این نگرانی جدی خود را از طریق مجراهای دیپلماتیک درباره مانورهای مشترک نظامی امریکا و کوریای جنوبی به طرف‌های مربوط اعلام کرده‌ایم.

او در ادامه تصریح کرد: حفظ ثبات و صلح در شبه‌جزیره کوریا و شمال شرق آسیا به نفع همه طرف‌ها است و مستلزم آن است که همه کشورها و طرف‌ها مسوولیت خود را انجام دهند.

سخنگوی وزارت خارجه چین افزود: در شرایط کنونی، اوضاع شبه‌جزیره کوریا به شدت پیچیده و حساس است. طرف‌های مربوط باید به سرعت اقدامات بیشتری را برای بهبود اوضاع در منطقه انجام دهند و برای حفظ ثبات و صلح تلاش کنند، نه در راستای مخالف آن.

او بار دیگر بر مخالفت چین با استقرار سامانه دفاع موشکی تاد امریکا در کوریای جنوبی تأکید کرده است.

دولت کوریای جنوبی سال گذشته تصمیم گرفت تا سامانه دفاع موشکی تاد امریکا را برای مقابله با تهدیدات کوریای شمالی در منطقه‌یی مستقر کند.

وزارت دفاع کوریای جنوبی پیش از این نیز اعلام کرد: امریکا احتمالاً در ماه جون سامانه دفاع موشکی تاد را در کوریای جنوبی مستقر خواهد کرد.

**حسینی، قهرمان هفتمین دور**

**رقابت‌های بین‌المللی اسکی شد**



هفتمین دور رقابت‌های بین‌المللی اسکی روز گذشته در دامنه کوه بابا با اشتراک حدود ۸۰ سکی‌باز داخلی و خارجی در دو بخش «حرفه‌ و ابتدایی» در بامیان برگزار شد.

این رقابت که در فاصله ۱۰۰۰ متری با اشتراک اسکی‌بازانی خارجی از کشورهای آستریا، سوئیس، انگلستان، فرانسه و امریکا برگزار شده بود که مجتبی حسینی، اسکی‌باز افغانستانی توانست مقام نخست را از آن خود کند.

مجتبی حسینی می‌گوید که برای رسیدن به این مقام مشکلات زیادی را متحمل شده است و بیش از ۲ سال می‌شود که در فصل زمستان مصروف تمرینات اسکی است.

ورزشکاران خارجی، تپه‌ها و دامنه‌های کوه بابا در بامیان را مناسب‌ترین مکان برای ورزش‌های زمستانی به ویژه اسکی می‌دانند.

کریستوف، از کشور سوئیس و یکی از برگزارکننده‌گان این مسابقه می‌گوید، هدف از برگزاری این‌گونه رقابت‌ها در بامیان تشویق جوانان به ورزش است.

حدود ۱۵ روز پیش، مسابقه بین‌المللی اسکی میان ۱۲۴ کشور جهان نیز برگزار شد که افغانستان در این رقابت مقام ۷۳ را از آن خود کرد.

**واکنش کونته به شایعه توافق با اینتر**



سرمری تیم فوتبال چلسی به شایعه اخیر رسانه‌های ایتالیایی مبنی بر این‌که او مربی فصل آینده نراتزوری است، پاسخ داد. آنتونیو کونته، شایعه توافق باشگاه اینتر با او برای هدایت این تیم در پایان فصل جاری را تکذیب و تأکید کرد که از وضعیتش در چلسی راضی است.

مربی پیشین تیم ملی ایتالیا که تابستان امسال پس از یورو ۲۰۱۶ و ترک آنزوری، هدایت آبی‌پوشان لندن را برعهده گرفت، چلسی را تا آستانه قهرمانی در لیگ برتر پیش برده است و به همین دلیل شایعاتی درباره آینده‌اش شکل گرفته است از جمله این‌که مالکان چینی اینتر می‌خواهند او را برای فصل آینده استخدام کنند. یکی از دلایل شکل گرفتن این شایعات، خودداری خانواده کونته برای سفر به لندن و ماندن در ایتالیا است که احتمال بازگشت او به کشورش را افزایش داده است. سرمری ۴۷ ساله آبی‌های لندن، اما تصمیمی برای انجام این کار ندارد.

او که دو سال دیگر با چلسی قرارداد دارد و گفته می‌شود در صورت قهرمانی تیمش در لیگ برتر، حقوقش (از ۶ میلیون پوند در سال فعلی) افزایش پیدا می‌کند، گفت: وضعیت من خیلی روشن است. من با چلسی قرارداد دارم و ما داریم سعی می‌کنیم که یک چیز مهم را در کنار باشگاه، برای حال و آینده بسازیم. من این‌جا خوش‌حالم. تنها مشکلی که در این فصل داشته‌ام دلتنگی خانواده‌ام بوده است. خانواده من در ایتالیا مانده‌اند. من این‌جا دارم کار می‌کنم، برای آینده کار می‌کنم و در تلاشم تا آن‌ها را به این‌جا بیاورم و دوباره کنار هم باشیم.

کونته در پاسخ به این سؤال که آیا می‌خواهد به کارش در چلسی ادامه دهد، اظهار داشت: اگر نظر مرا می‌پرسید، می‌گویم امیدوارم که برای مدتی طولانی در این باشگاه بمانم و در کنارش جام‌های فراوانی کسب کنم. هر مربی زمانی که کارش را در یک باشگاه جدید شروع می‌کند، امیدوار است که برای مدتی طولانی در آن تیم بماند چون معنایش این است که دارد خوب کار می‌کند. شما وقتی در یک تیم برای مدتی طولانی می‌مانید، فرصت دارید که سطح بازی بازیکنان‌تان را ارتقا دهید و آن‌ها را با هم هماهنگ کنید. من فکر می‌کنم این همان کاری است که ما در این فصل داریم انجام می‌دهیم. ما داریم یکسری زیرساخت‌ها را برای حال و آینده باشگاه فراهم می‌کنیم. این‌که یک مربی بخواهد سالیان سال در یک تیم بماند کاملاً طبیعی است، اما خودتان بهتر می‌دانید، به‌ویژه بعد از اتفاقی که اخیراً برای کلودیو رانییری رخ داد، که یک مربی همیشه باید آماده هر چیزی باشد.

# Mandegar

## هادی میران

جمهوری فدراتیف روسیه که میراث‌دار اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز خوانده می‌شود، به دلایل فراوان یکی از قدرت‌های تأثیرگذار در سمت‌وسو دهنده بحران افغانستان شناخته می‌شود و افغانستان نیز به دلایل مختلف برای روسیه حایز اهمیت می‌باشد. از همین‌رو ماهیت تحولات سیاسی و مسیر بحران چندین‌ساله افغانستان، تأثیرات مستقیم بر جغرافیای امنیتی روسیه گذاشته و ادامه نامانی در افغانستان مرزهای امنیتی روسیه را نیز به‌شدت ناامن می‌سازد. روسیه با درک و فهم این واقعیت، در یک سال اخیر تلاش کرده است که با استفاده از رویکردهای متفاوت سیاسی، از یک‌طرف نگرانی خود را نسبت به گسترش نامانی در شمال افغانستان - که در همجواری با مرزهای امنیتی این کشور قرار دارد - ابراز کرده و از طرف دیگر، خود به اقداماتی متوسل شود که از آن به عنوان اقدامات پیش‌گیرانه در برابر توسعه داعش یاد شده است.

روسیه نسبت به دولت اسلامی شام و عراق یا به تعبیر دیگر، گروه داعش به‌شدت مظنون است و توسعه نفوذ این گروه در افغانستان و به‌خصوص شمال این کشور را بخشی از یک بازی استخباراتی برای شکستادن مرزهای امنیتی خود تلقی کرده و نسبت به آن بسیار حساس است. البته درک و استنباط روسیه از فرایند توسعه داعش مقرون به واقعیت پنداشته می‌شود و آن‌چه که واقعیت و ماهیت داعش یا دولت اسلامی شام و عراق را شکل می‌بخشد، مجموعه‌یی از بازی‌های هدفمند استخباراتی است که برای دگرگونی نظم سیاسی در خاورمیانه طرح و تدوین گردیده است.

اما در این میان بحثی که کمتر به آن پرداخته شده است، در چشم انداز نخست، فقدان ظرفیت دیپلماتیک دستگاه سیاست خارجی افغانستان و در چشم‌انداز دوم، گزینه‌های روسیه در مواجهه با تهدیدات امنیتی نسبت به جغرافیای امنیتی آن کشور از خاک افغانستان می‌باشد که تمرکز و بازنگری در این دو زمینه می‌تواند هم از شدت نگرانی‌های روسیه کاسته و هم شرایط و زمینه‌های بهتری را برای همکاری‌های استراتژیک میان روسیه و افغانستان در مقابله با گروه‌های تروریست و دهشت‌افکن فراهم نماید.

دولت افغانستان و به‌خصوص دستگاه دیپلماسی این کشور در تعامل با مسکو، نیت و رفتار را به گونه‌یی می‌باید به نمایش بگذارد که از یک‌طرف

## نگرانی‌های روسیه و بی‌توجهی دولت افغانستان

و تکثیر بی‌رویه آن، زمینه‌های رشد این پدیده را فراهم کردند. جریان‌های نیرومندی که امروز از آن‌ها به عنوان رادیکالیسم اسلامی یاد می‌شود و امنیت جهان را به خطر انداخته‌اند - از القاعده و زیرمجموعه‌های آن گرفته تا دولت اسلامی شام و عراق - بدون استثنا شامل فرایندی می‌شوند که توسط حمایت مالی و لوژستیکی غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا ابراز وجود کرده است. هرچند که پی‌آیند این نگرش سیاسی دهه هفتاد میلادی در غرب نسبت به رادیکالیسم اسلامی، در اشکال و ابعاد مختلف برای کشورهای غربی درد سر ایجاد کرده و است؛ اما متأسفانه هنوز هم اراده جدی و همه‌جانبه برای مقابله با رادیکالیسم اسلامی به‌وجود نیامده و به آن همچنان به عنوان یک ابزار سیاسی نگرسته می‌شود. تعاملات و رفتار سیاسی ایالات متحده آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی در خاورمیانه، هنوز هم در جهت استمرار حیات سیاسی رادیکالیسم اسلامی تعبیر می‌گردد و اوضاع حاکم بر لیبی و سوریه به‌خوبی نشان می‌دهد که سخن از مقابله با توسعه رادیکالیسم اسلامی اغلب به شکل یک شعار سیاسی به مصرف می‌رسد. لذا با توجه به این واقعیت و همچنان با توجه به سیر تحولات سیاسی در منطقه، به نظر می‌رسد که مسکو و کابل بیشتر از همیشه ضرورت به توسعه روابط دوستانه و همکاری‌های متقابل در عرصه مقابله با تروریسم و گروه‌های دهشت‌افکن دارند. دولت افغانستان این ضرورت را باید در اولویت‌های دیپلماتیک خود قرار دهد و به مسکو نیز مفید خواهد بود که به ابزارهای دیگری برای مقابله با توسعه نفوذ داعش در افغانستان بیسنند.

روسیه و افغانستان به‌دلیل داشتن طولانی‌ترین مرزهای امنیتی و مشترکات فراوان، به‌صورت گسترده از چگونه‌گی وضعیت همدیگر متأثر گردیده‌اند؛ اما آن‌چه که این اثرگذاری را به اثرگذاری مثبت و سازنده تبدیل می‌کند، همکاری دوستانه و صادقانه کابل و مسکو در مقابله با تروریسم و گروه‌های دهشت‌افکن خواهد بود که در وضعیت موجود نشانه‌های نیرومندی از آن به نظر نمی‌رسد.



می‌دانند. مفسرین سیاسی اما بر این باورند که نگرانی روسیه از توسعه روزافزون نفوذ داعش در افغانستان و سهل‌انگاری دستگاه دیپلماتیک افغانستان در رفع این نگرانی، مسکو را واداشته است که از گروه‌های فروپاشیده طالبان به عنوان ابزار مقابله با توسعه نفوذ داعش در افغانستان استفاده نماید. این گزینه شاید بتواند در ابتدا موثر واقع گردد، اما واقعیتی را که مسکو از کنار آن به‌ساده‌گی می‌گذرد، این است که طالبان و داعش هر دو از یک بستر الهیاتی مشترک برخاسته‌اند و در فهم و درک آن‌ها از شریعت اسلامی اختلاف و تفاوتی به نظر نمی‌رسد. طالبان نیز بخشی از بدنه رادیکالیسم اسلامی دانسته می‌شود که در معادلات جنگ سرد توسط بلوک غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا تقویت و تکثیر گردیده است. غربی‌ها رادیکالیسم اسلامی را به عنوان یک ابزار موثر در مقابله با اتحاد جماهیر شوروی سابق می‌دانستند که با تقویت

شرایط بهتری را برای همکاری‌های متقابل دو کشور فراهم نماید و از طرف دیگر، اطمینان مسکو از صداقت دولت افغانستان در مقابله با نفوذ گروه‌های منسوب به داعش در افغانستان فراهم گردد. این درحالی‌ست که دستگاه دیپلماسی افغانستان در این زمینه هیچ‌گونه اقدامات موثر را به انجام نرسانده و حتا نماینده‌گی دیپلماتیک افغانستان در روسیه از فهم و درک اهمیت این موضوع نیز عاجز می‌باشد. از برخورد سیاسی و رفتار دیپلماتیک روسیه دست‌کم در یک سال اخیر، با رخدادهای سیاسی افغانستان برمی‌آید که استراتژی‌پردازان سیاست و امنیت این کشور در مورد افغانستان ابزاری را برگزیده است که استفاده متوالی از آن می‌تواند برای مسکو درس‌ساز گردیده و در آینده هزینه‌های سنگینی را بر این کشور تحمیل نماید. در ماه‌های اخیر، مقامات روسیه از برقراری رابطه با طالبان سخن گفته و فرایند این رابطه را در راستای تأمین منافع امنیتی این کشور

## حزب سبزها به دولت فدرال آلمان:

# افغانستان را از نو ارزیابی کنید

فراکسیون حزب سبزها در پارلمان فدرال آلمان (بوندستاگ) از حکومت مرکزی به خاطر در نظر نگرفتن منابع حیاتی (اساسی) در ارزیابی وضعیت امنیتی افغانستان انتقاد کرده است. جنجال و بحث بر سر اخراج پناهجویان رده‌شده به افغانستان همچنان در آلمان ادامه دارد. حزب سبزهای آلمان از حکومت فدرال این کشور خواسته است تا وضعیت امنیتی در افغانستان را از نو ارزیابی کند. کاترین گورین ایکارت، رییس فراکسیون سبزها در پارلمان آلمان گفت: "وزارت امور خارجه نهایتاً باید ارزیابی جدی از وضعیت امنیتی در افغانستان ارائه کند."

او گفت که وزارت خارجه آلمان در شرایطی نباشد که این ارزیابی را انجام دهد، این «خودداری از انجام وظیفه» است. با این حال، وزارت امور خارجه آلمان از اخراج پناهجویان رد شده به افغانستان حمایت می‌کند. به گزارش دویچه وله، اخراج پناهجویان به افغانستان موضوع جنجالی در آلمان است. برخی از ایالات‌های آلمان اخراج اجباری به افغانستان را منع کرده‌اند. به عنوان مثال، ایالت شلیسویگ هولشتاین اخراج افغان‌ها را متوقف کرده است.

خانم گورین ایکارت می‌گوید که ارزیابی وضعیت



دوسیه انفرادی معلوم شد، و بر اساس آن فرد متقاضی قبولی نگرفت، باید بر اساس طرح حکومت فدرال به افغانستان بازگردانده شود. به گفته او، مسئله تنها اجرای قانون نیست. او تشریح کرد که هرگاه افغان‌هایی که به آلمان می‌آیند به صورت اتومات در اینجا بمانند، این خود پیام اشتباهی را به آن افغان‌هایی می‌فرستد که مصروف بازسازی کشور شان است. مسوول افغانستان و پاکستان در وزارت خارجه آلمان گفت: «ما به این باوریم که ما باید یکجا با افغان‌ها کوشش کنیم تا مشکلات را در داخل افغانستان

حل نماییم». او گفت: «برای افغانستان ما هنوز بزرگترین تعهدات را وعده سپرده ایم که دولت آلمان برای یک کشور ارائه می‌کند. این تعهدات تا چهار سال دیگر نیز ادامه دارد». وضعیت امنیتی دشوار در افغانستان سبب شده است تا ۵۷ درصد متقاضیان افغان در آلمان حمایت دریافت کنند. او گفت: «این سهمیه برای افغان‌ها از هر کشور دیگر اروپایی بالاتر است». حد اوسط شمار افغان‌هایی که در دیگر کشورهای اروپایی قبولی دریافت می‌کنند، ۳۷ درصد است.